



چرا محصولات کشاورزی در ایران گران تولید می‌شوند؟

در صفحه ۲

یکشنبه ۲۱ تیر ماه ۱۴۰۵ سال بیستم شماره ۳۵۸۳ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

گزارش

روزی به نام فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه ای

در تقویم ملی ایران؛

جایگاه ورزش زورخانه‌ای در آذربایجان

طرح‌نو؛ شیوا صفری
فرهنگ پهلوانی یکی از ارزشمندترین میراث‌های فرهنگی کشورمان است که ریشه در تاریخ، اسطوره‌ها، و آیین‌های کهن این سرزمین دارد. این فرهنگ، نه تنها بر قدرت بدنی و مهارت‌های ورزشی تأکید دارد، بلکه ارزش‌هایی چون جوانمردی، فروتنی، صداقت، احترام به بزرگان، و خدمت به مردم را نیز در دل خود جای داده است.

جایگاه ورزش زورخانه‌ای در ایران

ورزش زورخانه‌ای یا ورزش باستانی یا ورزش پهلوانی، با قدمت بیش از ۳۰۰۰ سال، به مجموعه‌ای از حرکات ورزشی، رزمی و آئینی گفته می‌شود که در ابتدا برای آموزش جنگجویان در ایران باستان استفاده می‌شد. این ورزش در محیطی خاص به نام زورخانه انجام می‌شود؛ زورخانه‌ها محیط‌هایی معنوی و ورزشی هستند که در آن ورزشکاران با انجام حرکاتی موزون و سنتی همراه با نوای مرشد، به تمرین بدنی و تقویت روحی می‌پردازند. این ورزش ترکیبی از کشتی، بدن‌سازی، و حرکات ریتمیک است که با ابزارهایی چون میل، سنگ، کیاده و چرخ تمرین می‌شود.

مرشد زورخانه، با خواندن اشعار حماسی از شاهنامه فردوسی یا متون مذهبی، روحیه پهلوانی را در دل ورزشکاران زنده می‌کند. این اشعار نه تنها انگیزه‌بخش هستند، بلکه بر تقویت ارزش‌های اخلاقی و انسانی در میان ورزشکاران نیز تأکید دارند.

پهلوانان زورخانه‌ای در گذشته نه تنها قهرمانان

طرح‌نو روزنامه کثیرالانتشار

بحران پنهان در فوتبال ایران و تجربه‌ی باشگاه تراکتور

فوتبال ایران در دام واردات بازیکن و فراموشی استعدادهای محلی

در صفحه ۲



سرمقاله

۲

اختلاس؛ زخم پنهان بر اعتماد عمومی

طرح نو؛ سردبیر

در هر جامعه‌ای، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، ستون فقرات توسعه پایدار محسوب می‌شود. اما زمانی که فساد مالی و اختلاس از درون نهادهای اداری سر برمی‌آورد، نه‌تنها منابع کشور به تاراج می‌رود، بلکه روحیه مردم، اعتماد عمومی و امید به اصلاح نیز به‌شدت آسیب می‌بیند.

در سال‌های اخیر، افشای پرونده‌های اختلاس در برخی نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی از جمله شهرداری‌ها، گاه با ارقام نجومی، افکار عمومی را شوکه کرده است. از پرونده‌های چند هزار میلیاردی گرفته تا سوءاستفاده‌های مالی در نهادهای کوچک، همگی نشانه‌هایی از یک بیماری سیستماتیک‌اند که اگر درمان نشود، به‌اعتمادی گسترده مردم نسبت به سیستم خواهد انجامید. اختلاس، تنها دزدی از بیت‌المال نیست؛ بلکه ضربه‌ای‌ست به عدالت اجتماعی، کاهش انگیزه خدمت در کارمندان سالم، افزایش بی‌اعتمادی مردم به مدیران و نظام اداری، و بی‌اعتباری قانون در چشم شهروندان. وقتی مردم می‌بینند که برخی....

گزارش

۲

صندوق توسعه ملی؛ یادگار رهبر شهید برای توسعه ایران

گزارش

۱

رسانه مالزیایی:

تازیانه تنگه هر مز بر اقتصاد جهانی؛ جغرافیا باز هم برنده شد

رسانه مالزیایی:

تازیانه تنگه هر مز بر اقتصاد جهانی؛ جغرافیا باز هم برنده شد

شرکت‌ها اکنون مقاصد سرمایه‌گذاری را با معیارهایی ارزیابی می‌کنند که پیش‌تر عمدتاً با برنامه‌ریزان امنیت ملی سروکار داشت؛ از جمله ثبات سیاسی، امنیت دریایی، شبکه‌های اتلافی، تاب‌آوری انرژی، ظرفیت پشتیبان در شبکه لجستیکی و دسترسی راهبردی به مسیرهای مطمئن کشتیرانی.

امروزه تاب‌آوری زنجیره تامین به همان اندازه بهره‌وری تولید اهمیت پیدا کرده است. هدف دیگر صرفاً تولید با کمترین هزینه ممکن نیست؛ بلکه حصول اطمینان از تداوم تولید در مقاطع ابهامات ژئوپلیتیکی است.

این تحول، تغییری بنیادین در شیوه ارزیابی مزیت رقابتی از سوی کسب‌وکارها به شمار می‌رود. جغرافیا بار دیگر از یک شاخصه صرفاً طبیعی، به یک دارایی تجاری تبدیل شده است.

نگارنده در بخش پایانی این مقاله آورده است: با این حال، جغرافیا به‌تنهایی کافی نیست. موقعیت راهبردی باید با بنادر کارآمد، سامانه‌های لجستیکی در سطح جهانی، اعتبار نهادی، ثبات مقررات، زیرساخت‌های دیجیتال و سرمایه‌گذاری مستمر در سرمایه انسانی همراه شود.

جغرافیا باز گشته است

جغرافیا فرصت ایجاد می‌کند، اما این سیاست‌گذاری است که تحقق یا عدم تحقق آن فرصت را تعیین می‌کند. قرن بیست‌ویکم شاهد بازگشت جغرافیا به‌عنوان یکی از اصول محوری سازمان‌دهنده اقتصاد بین‌الملل است.

هوش مصنوعی، رایانش ابری، تولید پیشرفته، انرژی‌های تجدیدپذیر و تجارت دیجیتال همه‌وهمه به زیرساخت‌های فیزیکی از جمله بنادر، کابل‌های زیردریایی، مسیرهای کشتیرانی، مراکز لجستیکی و گلوگاه‌های دریایی وابسته‌اند. حتی اقتصاد دیجیتال نیز در نهایت بر پایه‌های جغرافیایی ملموس استوار است.

کشورهایی که در دهه‌های آتی شکوفا شده و به کامیابی خواهند رسید، لزوماً آنهایی نیستند که بزرگ‌ترین اقتصادها یا قدرتمندترین ارتش‌ها را دارند؛ بلکه کشورهایی هستند که بهتر از دیگران در می‌یابند که چگونه «جغرافیا، اقتصاد و دیپلماسی» یکدیگر را تقویت می‌کنند.

تاریخ به پایان نرسیده؛ جغرافیا بازگشته و به همراه آن، این واقعیت دیرپا نیز بازگشته است که کنترل بر شریان‌های تجارت جهانی همچنان یکی از کهن‌ترین و موثرترین ابزارهای قدرت راهبردی محسوب می‌شود./ ایرنا

می‌دهند. به عبارت دیگر، خودِ «ریسک» به یک متغیر اقتصادی تبدیل شده است.

همین منطق درباره دریای سرخ نیز صادق است. حملات مکرر به کشتی‌ها باعث شد تا بسیاری از خطوط کشتیرانی مسیر خود را به پیرامون «دماغه امید نیک» تغییر دهند؛ اقدامی که هزاران مایل دریایی به طول سفر آنها افزود، مصرف سوخت را افزایش و ظرفیت ناوگان را کاهش داد و هزینه حمل‌ونقل را در صنایع گوناگون بالا برد.

در نتیجه، یک گذرگاه دریایی نسبتاً باریک، پیامدهایی به بار آورد که دامنه آن، دامن طیف گسترده‌ای را گرفت، از تولیدکنندگان آسیایی گرفته تا خرده‌فروشان اروپایی و مصرف‌کنندگان سراسر جهان!

کانال سوئز نیز همین درس را تاکید می‌کند. به گل نشستن کشتی کانتینری «اور گیون/ Ever Given» در سال ۲۰۲۱ نشان داد که تنها یک حادثه می‌تواند ظرف چند روز، صدها میلیارد دلار از تجارت جهانی را مختل کند.

در آن ماجرا، حتی نیازی به رویارویی نظامی هم نبود؛ این رویداد صرفاً به وضوح آشکار کرد که تجارت جهانی تا چه اندازه به اندک کریدورهای حیاتی جغرافیایی که شمارشان شاید به تعداد انگشت‌های یک دست برسد، وابسته است.

تنگه تایوان هم نشان می‌دهد که جغرافیا امروز دیگر تنها درباره جابه‌جایی نفت نیست؛ بلکه انتقال نیمه‌رساناها، تجهیزات الکترونیکی پیشرفته و زیرساخت‌های دیجیتال که اقتصاد نوین به‌شدت به آنها وابسته است را نیز امکان‌پذیر می‌سازد.

هرگونه اختلال ادامه‌دار در این گلوگاه، پیامدهایی فراتر از شمال شرق آسیا خواهد داشت و صنایعی از هوش مصنوعی و خودروسازی گرفته تا مخابرات و فناوری‌های پیشرفته دفاعی را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

در تمام موارد مذکور، جغرافیا به اقتصاد تبدیل می‌شود.

از کار آمدی به تاب‌آوری

در بخش عمده دوران پس از جنگ سرد، کارآمدی مهم‌ترین اصل جهانی‌سازی بود و آن را تعریف می‌کرد. شرکت‌ها تولید خود را بر اساس سه مولفه هزینه، سرعت و مقیاس بهینه می‌کردند.

موجودی انبارها به حداقل می‌رسید، تولید میان قلمروهای مختلف توزیع و ظرفیت‌های اضافی، نوعی ناکارآمدی تلقی می‌شد. اما امروز، آنچه بیش از هر چیز ژئواکونومی را تعریف می‌کند، «تاب‌آوری» است.



در اختیار دارد.

از همه مهم‌تر اینکه این آبراه‌ها دیگر صرفاً شاخصه‌هایی جغرافیایی نیستند. در واقع، آنها اکنون همچون نهادهای اقتصادی عمل می‌کنند و به همان شکل که بازارهای مالی، نظام‌های پرداخت و بازارهای سرمایه بر اقتصاد جهانی اثر می‌گذارند، قیمت کالاها، حق بیمه، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و تاب‌آوری زنجیره‌های تامین نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهند.

فعالیت بی‌وقفه این مسیرها، به مثابه ستون فقرات تجارت بین‌المللی عمل می‌کند و آثار هرگونه اختلال در آنها، در صنایع و قاره‌های مختلف بازتاب می‌یابد. این یکی از دگرگونی‌های تعیین‌کننده اقتصاد سیاسی بین‌المللی معاصر است.

نگارنده در ادامه با اشاره به مقاله‌ای دیگر از این روزنامه می‌نویسد: اگر مقاله نخست این مجموعه این استدلال مطرح شد که «عدم قطعیت و ابهامات ژئوپلیتیکی» به «ارز

جدید قدرت» تبدیل شده است، گزاره دوم به‌طور طبیعی از آن متولد می‌شود؛ «این جغرافیاست که تعیین می‌کند این ارز کجا تولید، مبادله و قیمت‌گذاری شود.»

گلوگاه‌های دریایی حالا به صرافیهایی تبدیل شده‌اند که مخاطرات ژئوپلیتیکی از طریق آنها به اقتصاد جهانی منتقل می‌شود.

وقتی جغرافیا به یک نهاد اقتصادی بدل می‌شود

سرمقاله

اختلاس؛ زخم پنهان بر اعتماد عمومی

طرح نو؛ سردبیر
در هر جامعه‌ای، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، ستون فقرات توسعه پایدار محسوب می‌شود. اما زمانی که فساد مالی و اختلاس از درون نهادهای اداری سر برمی‌آورد، نه‌تنها منابع کشور به تاراج می‌رود، بلکه روحیه مردم، اعتماد عمومی و امید به اصلاح نیز به‌شدت آسیب می‌بیند.
در سال‌های اخیر، افشای پرونده‌های اختلاس در برخی نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی از جمله شهرداری‌ها، گاه با ارقام نجومی، افکار عمومی را شوکه کرده است. از پرونده‌های چند هزار میلیاردی گرفته تا سوءاستفاده‌های مالی در نهادهای کوچک، همگی نشانه‌هایی از یک بیماری سیستماتیک‌اند که اگر درمان نشود، به بی‌اعتمادی گسترده مردم نسبت به سیستم خواهد انجامید.

اختلاس، تنها دزدی از بیت‌المال نیست؛ بلکه ضربه‌ای‌ست به عدالت اجتماعی، کاهش انگیزه خدمت در کارمندان سالم، افزایش بی‌اعتمادی مردم به مدیران و نظام اداری، و بی‌اعتباری قانون در چشم شهروندان. وقتی مردم می‌بینند که برخی مدیران یا کارمندان متخلف، با رانت، تبعیض یا بی‌تفاوتی از مجازات می‌گریزند، چگونه می‌توان انتظار داشت که صداقت، نظم، و مسئولیت‌پذیری در فرهنگ عمومی نهادینه شود؟
در این میان، نقش نهادهای امنیتی و قضایی بسیار کلیدی‌ست. این نهادها نه‌تنها باید با قاطعیت و شفافیت با متخلفان برخورد کنند، بلکه لازم است فرآیند رسیدگی به فساد، در منظر عمومی و با حفظ حقوق مردم صورت گیرد. مردم باید ببینند که قانون برای همه یکسان اجرا می‌شود؛ بی‌استثناء، بی‌ملاحظه و بی‌تعلل. اما مقابله با اختلاس فقط برخورد قضایی نیست. پیشگیری، شفاف‌سازی، هوشمندسازی فرآیندهای اداری، حذف امضاهای طلایی، تقویت نظارت‌های مردمی، و افزایش شفافیت مالی سازمان‌ها از جمله راهکارهایی‌ست که باید هم‌زمان به کار گرفته شود. متخلفانی که در خلأ نظارت رشد می‌کنند، با ابزارهای قانونی و نظارتی درست قابل مهار هستند.

از سوی دیگر، رسانه‌ها و خبرنگاران آزاد، در افشای فساد نقش حیاتی دارند. حمایت از رسانه‌های شجاع و مستقل، به همان اندازه مهم است که برخورد با مفسدان. جامعه‌ای که در آن حقیقت گفته نشود، اختلاس و فساد در سکوت رشد خواهد کرد.

در پایان، باید دانست که اعتماد عمومی، همچون شیشه‌ای‌ست که اگر شکسته شود، به‌سختی ترمیم می‌شود. اگر امروز با فساد و اختلاس برخورد نشود، فردا هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی آن، سنگین‌تر و گاه غیرقابل جبران خواهد بود.
شفافیت، قانون‌گرایی، و اراده برای مقابله با فساد، سه ضلعی نجات اعتماد ملی است.

گزارش

صندوق توسعه ملی؛ یادگار رهبر شهید برای توسعه ایران



طرح نو؛ گروه گزارش

یکی از آخرین تدابیر موثر رهبر شهید انقلاب اسلامی برای توسعه ایران، صدور اذن سرمایه‌گذاری به صندوق توسعه ملی برای رفع موانع تأمین مالی طرح‌های بزرگ توسعه‌ای بود که برکات آن با به بهره‌برداری رسیدن بخشی از طرح‌های افزایش تولید انرژی هم‌اکنون به ثمر نشسته است.

مهدی غضنفری رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی به مناسبت ایام وداع و تشییع پیکر آیت الله سیدعلی خامنه‌ای رهبر شهید انقلاب اسلامی، در یادداشتی اختصاصی برای ایرنا به تبیین اندیشه های ایشان در عرصه های مختلف پرداخت که به شرح زیر است:

باسمه‌تعالی
«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»
تاریخ این مرز و بوم همواره شاهد رشادت و شجاعت بزرگانی بوده است که با بذل جان و آبرو برعزت و شوکت ایران افزوده‌اند. بی‌تردید مصداق تام چنین رادمردانی در ایران معاصر امام خمینی کبیر (قَدْسَ سِرُّه) و خامنه‌ای شهید (قدس الله النفس الزکیه)، بوده‌اند که با هدایت‌های حکیمانه خود ایران را چنان به کشوری مستقل و توانمند تبدیل کردند که اکنون به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، ائتلاف شوم نظام سلطه به رهبری آمریکا را بعد از یک سال تهاجم وحشیانه با تحمیل شکست از منطقه اخراج کرده است.

در دل تاریخ پرفراز و نشیب خاورمیانه، و در میان طوفان‌های سهمگین قرن، قامتی استوار از سلاله ایمان و سیاست برخاست. او که از حرم مطهر رضوی و کوچه‌های قدیمی مشهد برخاسته بود، پرورش‌یافته مکتبی شد که نه تنها ایران، بلکه معادلات جهانی را دگرگون کرد. سید علی خامنه‌ای، رهبری که دوران حیاتش، حماسه‌ای بی‌پایان از

طرح نو؛ گروه اقتصاد

وزارت جهاد کشاورزی در ماه‌های اخیر کاهش هزینه تولید را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود برای حمایت از تولید و کنترل قیمت مواد غذایی اعلام کرده است. اما چرا تولید محصولات کشاورزی در ایران گران تمام می‌شود؟ پاسخ این پرسش تنها به قیمت بذر و کود محدود نیست و از خرد بودن زمین‌های کشاورزی تا فرسودگی ماشین‌آلات، ضایعات بالا و نوسانات ارزی در آن نقش دارند.

یکی از مهم‌ترین دلایل بالا بودن هزینه تولید در بخش کشاورزی، ساختار تولید در ایران است. بخش قابل توجهی از بهره‌برداری‌های کشاورزی در قالب واحدهای کوچک و پراکنده انجام می‌شود؛ موضوعی که استفاده از ماشین‌آلات، فناوری‌های نوین و خرید عمده نهاده‌ها را دشوار و هزینه تولید را افزایش داده است. در واقع مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، اقتصادی و مدیریتی طی سال‌های گذشته موجب شده قیمت تمام‌شده بسیاری از محصولات افزایش پیدا کند؛ عواملی که برخی از آنها در اختیار وزارت جهاد کشاورزی است و برخی دیگر به شرایط کلان اقتصاد کشور بازمی‌گردد.

مزیت‌های کشاورزی ایران به تنهایی هزینه تولید را کاهش نمی‌دهد

در واقع بالا بودن هزینه تولید در بخش کشاورزی را نمی‌توان صرفاً به گرانی نهاده‌ها نسبت داد. ایران در برخی حوزه‌ها از جمله انرژی، نیروی کار و تولید بخشی از نهادهای کشاورزی مانند برخی کودهای شیمیایی، همچنان از مزیت نسبی برخوردار است. با این وجود، بهره‌وری پایین، خرد بودن اراضی، فرسودگی ماشین‌آلات و ضایعات بالا باعث شده هزینه تمام‌شده بسیاری از محصولات افزایش یابد و بخشی از این مزیت‌ها عملاً خنثی شود.

ضعف بهره‌وری،

تولید را گران‌تر کرده است

آنچه بیش از هزینه نهاده‌ها بر رقابت‌پذیری بخش کشاورزی اثر می‌گذارد، بهره‌وری تولید است. به بیان دیگر، پایین بودن عملکرد در واحد سطح، مصرف بالای آب، ضعف زنجیره تأمین و هزینه‌های پس از برداشت، باعث می‌شود هزینه تولید هر کیلوگرم محصول افزایش یابد؛ موضوعی که حتی در صورت ارزان بودن برخی نهاده‌ها نیز می‌تواند قیمت تمام‌شده را بالا نگه دارزمین‌های خرد، مانعی برای کاهش هزینه تولید

یکر از مهم‌ترین چالش‌های ساختاری در بخش کشاورزی، خرد بودن اراضی است. بر اساس گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد FAO، ناکارآمدی در زنجیره تأمین و مراحل پس از برداشت در بسیاری از کشورها



سهم قابل توجهی در افزایش قیمت مواد غذایی دارد و در برخی اقتصادها این سهم به بخش مهمی از قیمت نهایی می‌رسد. در ایران، طبق داده ها، بخش قابل توجهی از بهره‌برداری‌های کشاورزی در قالب واحدهای کوچک و پراکنده انجام می‌شود؛ موضوعی که مانع استفاده بهینه از ماشین‌آلات، فناوری‌های نوین و خرید عمده نهاده‌ها شده و هزینه تولید را افزایش می‌دهد. در همین چارچوب، ادغام زمین‌های خرد و حرکت به سمت تولید مقیاس‌پذیر می‌تواند از طریق «صرفه مقیاس» هزینه متوسط تولید را کاهش داده و بهره‌وری منابع را افزایش دهد.

با وجود چالش‌ها، ایران در برخی حوزه‌ها دارای مزیت نسبی است

با وجود چالش‌ها، ایران در برخی حوزه‌ها دارای مزیت نسبی است؛ از جمله انرژی نسبتاً ارزان‌تر، نیروی کار فعال در بخش کشاورزی و تولید داخلی بخشی از نهاده‌ها مانند برخی کودها. با این حال این مزیت‌ها برای جبران شکاف بهره‌وری کافی نیستند. در حوزه عملکرد تولید، داده‌های مقایسه‌ای نشان می‌دهد فاصله قابل توجهی میان ایران و کشورهای پیشرو وجود دارد. به‌عنوان نمونه، عملکرد گندم در ایران حدود ۱.۷ تن در هکتار گزارش شده، در حالی که در کشورهایی مانند آلمان، فرانسه، هلند و چین این رقم بین ۵ تا ۸ تن در هکتار است. بر اساس داده‌های FAO، مصرف کود شیمیایی در ایران حدود ۶۸ کیلوگرم در هکتار است؛ با این حال به گفته تحلیلگران بخش کشاورزی، مسئله اصلی نه میزان مصرف بلکه مصرف غیرهفمند و نامتوازن آن است؛ موضوعی که موجب شده سیاست‌های رسمی به سمت «کوددهی هفمند» و «کشاورزی دقیق» حرکت کند.

کشورهای موفق هزینه تولید را با فناوری کاهش داده‌اند

در سطح سیاست‌گذاری، وزارت جهاد کشاورزی بر افزایش بهره‌وری آب و خاک، توسعه کشاورزی دانش‌بنیان و کاهش هزینه تولید تأکید دارد. بررسی تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد کاهش هزینه تولید در کشاورزی معمولاً بر سه محور اصلی استوار بوده است:
در کشورهایی مانند هلند، تمرکز بر کشاورزی دقیق، آبیاری هوشمند، مدیریت داده‌محور و استفاده گسترده از فناوری‌های نوین باعث افزایش بهره‌وری در واحد سطح و کاهش هزینه تولید شده است
در کشورهایی مانند آمریکا و برزیل، ادغام زمین‌ها، توسعه مزارع بزرگ و مکانیزاسیون گسترده موجب تحقق صرفه‌های مقیاس و کاهش هزینه متوسط تولید شده است. در اروپا نیز توسعه زنجیره سرد، کاهش واسطه‌ها و دیجیتال‌سازی بازار محصولات کشاورزی نقش مهمی در کاهش ضایعات و کنترل قیمت نهایی غذا داشته است. در کنار عوامل داخلی، تحریم‌های اقتصادی نیز طی سال‌های گذشته بر هزینه تولید در بخش کشاورزی اثر گذاشته است. اگرچه بخش زیادی از محصولات و نهادهای کشاورزی مشمول معافیت‌های بشردوستانه اعلام شده‌اند، اما محدودیت‌های بانکی، افزایش هزینه نقل‌وانتقال پول، دشواری واردات ماشین‌آلات، قطعات و برخی نهادهای تخصصی، هزینه تأمین تجهیزات و فناوری‌های مورد نیاز این بخش را افزایش داده و روند نوسازی و ارتقای بهره‌وری را با چالش مواجه کرده است.

کاهش هزینه تولید به یک راهکار محدود نمی‌شود

در تحلیل‌های تخصصی درباره کاهش هزینه تولید، مجموعه‌ای از اقدامات مکمل شامل بهینه‌سازی فرآیند تولید، کاهش ضایعات، اصلاح مدیریت مزرعه و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی مورد تأکید قرار گرفته است؛ مجموعه‌ای که در کنار اصلاح ساختار مالکیت، به‌عنوان بسته سیاستی کاهش هزینه شناخته می‌شود.
از این منظر، وعده وزارت جهاد کشاورزی برای کاهش هزینه تولید، در صورتی می‌تواند به نتیجه برسد که هم‌زمان مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری در اقتصاد و بخش کشاورزی اجرا شود. در غیر این صورت، حتی اگر بخشی از هزینه‌ها کاهش یابد، عواملی مانند تورم، نوسان ارز و افزایش قیمت نهاده‌ها می‌تواند آثار آن را خنثی کنند. بنابراین، کاهش هزینه تولید را باید نه یک اقدام مقطعی، بلکه پروژه‌ای بلندمدت دانست؛ پروژه‌ای که موفقیت آن به هماهنگی سیاست‌های اقتصاد، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشاورزی و افزایش بهره‌وری در تمام حلقه‌های زنجیره تولید وابسته است.

. او نه تنها به عنوان فرمانده کل قوا، بلکه به عنوان مرجع دینی و راهبر سیاسی، تمامی شئون کشور را در دست داشت و در مقابل هرگونه نفوذ بیگانه، چون کوهی استوار ایستاد.

در عرصه سیاست خارجی، او معمار «محور مقاومت» بود. او با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و تاریخ پرفراز و نشیب ایران، از فلسطین مظلوم تا حزب‌الله لبنان و نیروهای مقاومت در یمن و عراق را در برابر استیکبار جهانی سازماندهی کرد . برای او مبارزه با استیکبار جهانی فقط یک شعار نبود، بلکه راهبردی بود برگرفته از عمق تاریخ و هویت انقلابی ایران. با این حال، او سیاستمداری عمل‌گرا نیز بود و در موضوع برجام، با وجود بدبینی عمیق به غرب، راه مذاکره را برای رفع تحریم‌ها هموار کرد، هرچند که خسارت خروج آمریکا از این توافق، زخمی ماندگار بر پیکر اقتصاد ایران برجای گذاشت .

قائد شهید (رض) نقشی بی‌بدیل در توسعه علم و فناوری و رشد نهال اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان بنیان رشد پایدار اقتصادی پایدار و اقتدار ملی درونزا ایفا کرد. هنوز کلام گبرای آن رهبر حکیم مبنی بر «تا جان در بدن دارم، در خدمتگزاری به مردم فروگذار نخواهم کرد» در اذهان آحاد امت اسلام فراموش نشده بود که آن رهبر صادق الوعد به غایت مصداق «من قضی نحبه» شد. آری مردان خدا را عزتی بالاتر از شهادت نیست!

در آخرین سال‌های عمر پرپرکت رهبر شهیدمان، ایران با هجمه‌های بی‌سابقه‌ای از سوی دشمنان مواجه شد. ترور سردار سلیمانی، ناآرامی‌های داخلی و جنگ ترکیبی، همه و همه آزمون‌هایی بود که این رهبر دوراندیش و فرزانه، آنها را با صلابت و قاطعیت پشت سر گذاشت. حتی در بحرانی‌ترین لحظات و زمانی که برخی خواستار عقب‌نشینی بودند، او بر اصول پافشاری کرد و فرمود که ایران در برابر زورگویی سر فرود نخواهد آورد. یکی از آخرین تدابیر موثر آن حکیم ربانی برای توسعه



گزارش

روزی به نام فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه ای در تقویم ملی ایران؛

جایگاه ورزش زورخانه‌ای در آذربایجان

هویت ملی می‌شود، بلکه پیوندی عمیق میان جسم و روح، سنت و مدرنیته برقرار می‌سازد.

ورزش زورخانه‌ای در آذربایجان شرقی

استان آذربایجان شرقی، با پیشینه‌ی غنی تاریخی و فرهنگی، یکی از خاستگاه‌های مهم ورزش زورخانه‌ای و فرهنگ پهلوانی در شمال‌غرب ایران به شمار می‌رود. این استان، به‌ویژه شهر تبریز، از دیرباز جایگاه پهلوانان نامداری بوده است که نامشان در حافظه‌ی مردم منطقه باقی مانده است.

در طول دهه‌های گذشته، زورخانه‌های متعددی در تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان شرقی فعال بوده‌اند که علاوه بر تمرین‌های ورزشی، محلی برای ترویج ارزش‌های انسانی، اخلاقی و مذهبی نیز به حساب می‌آمده‌اند. زورخانه‌هایی مانند زورخانه

امیرالمؤمنین تبریز از جمله مکان‌های تاریخی هستند که در طول سالیان، میزبان پهلوانان محلی بوده‌اند.

پهلوانان آذربایجانی، با افتخار در میادین ملی و محلی حضور داشته‌اند و نمونه‌های بارزی از آمیزش قدرت بدنی با منش اخلاقی به شمار می‌روند.

در سال‌های اخیر، اداره کل ورزش و جوانان آذربایجان شرقی و همچنین انجمن ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی استان، اقداماتی در راستای احیای این ورزش کهن انجام داده‌اند؛ از جمله برگزاری مسابقات زورخانه‌ای، آموزش نوجوانان، و نوسازی زورخانه‌های قدیمی. همچنین حضور تیم‌های استانی در رقابت‌های کشوری، جایگاه این استان را در نقشه پهلوانی ایران حفظ کرده است.

فرهنگ پهلوانی در آذربایجان شرقی، با تأثیرپذیری از ارزش‌های ایرانی، ترکیبی یکتا و ارزشمند از آیین‌های بومی و ملی را شکل داده است. این میراث گرانبها، نه تنها در حوزه ورزش، بلکه در رفتار اجتماعی و تعاملات انسانی نیز نمود دارد.



طرح‌نو؛ شیوا صفری
فرهنگ پهلوانی یکی از ارزشمندترین میراث‌های فرهنگی کشورمان است که ریشه در تاریخ، اسطوره‌ها، و آیین‌های کهن این سرزمین دارد. این فرهنگ، نه تنها بر قدرت بدنی و مهارت‌های ورزشی تأکید دارد، بلکه ارزش‌هایی چون جوانمردی، فروتنی، صداقت، احترام به بزرگان، و خدمت به مردم را نیز در دل خود جای داده است.

جایگاه ورزش زورخانه‌ای در ایران

ورزش زورخانه‌ای یا ورزش باستانی یا ورزش پهلوانی، با قدمت بیش از ۳۰۰۰ سال، به مجموعه‌ای از حرکات ورزشی، رزمی و آئینی گفته می‌شود که در ابتدا برای آموزش جنگجویان در ایران باستان استفاده می‌شد.

این ورزش در محیطی خاص به نام زورخانه انجام می‌شود؛ زورخانه‌ها محیط‌هایی معنوی و ورزشی هستند که در آن ورزشکاران با انجام حرکاتی موزون و سنتی همراه با نوای مرشد، به تمرین بدنی و تقویت روحی می‌پردازند. این ورزش

گزارش

طرح‌نو؛ سردبیر

چالش پیش روی فوتبال ایران، به‌ویژه در وابستگی بیش از اندازه به بازیکنان خارجی و غفلت از ساختارسازی و پرورش استعدادهای بومی، به مسئله‌ای ریشه‌دار و مزمن تبدیل شده است؛ پدیده‌ای که نه تنها مانع پویایی و رشد ورزش کشور می‌شود، بلکه روح اصیل فوتبال ایرانی را نیز در معرض فراموشی قرار داده است. این مشکل در ظاهر نتیجه‌ی میل باشگاه‌ها به پیروزی‌های سریع و نتایج آنی است، اما در عمق خود بازتاب نوعی ناآگاهی مدیریتی و بحران هویتی است که فوتبال ایران را سال‌هاست در بر گرفته است. در استانه‌ی آغاز لیگ برتر فوتبال باید گفت؛ واقعیت این است که فوتبال حرفه‌ای، بدون توجه به بسترهای پایه و آموزش منظم، دیر یا زود به دور باطلی از هزینه‌های بیهوده و شکست‌های تکراری می‌افتد.

تراکتور از تیمی بازیکن‌ساز تا تیمی وابسته به بازیکن

به عنوان نمونه باشگاه تراکتور که روزگاری نماد اعتماد به استعداد ایرانی بود، امروز این روند معکوس را شاهد است؛ تیمی که در دهه‌های گذشته صدها بازیکن جوان را از آکادمی خود به سطح اول فوتبال کشور رساند، امروز بخش عمده‌ای از انرژی و منابع مالی‌اش را صرف جذب بازیکنان خارجی می‌کند؛ بازیکنانی که اغلب با قراردادهای سنگین می‌آیند، اما نه ماندگاری دارند و نه اثری ماندگار بر رشد تیم برجای می‌گذارند. این تغییر جهت، تنها از زاویه مالی زبان‌بار نیست، بلکه از منظر فرهنگی و هویتی نیز نوعی گسست خطرناک میان باشگاه و ریشه‌های مردمی‌اش ایجاد کرده است. تراکتور، به‌عنوان نمادی از فوتبال تبریز، زمانی پایگاه شور و تعلق خاطر هواداران بود؛ شور و اشتیاقی که اکنون در سایه سیاست‌های وارداتی، رنگی از بی‌اعتمادی به خود گرفته است.

برای درک عمق این مسئله باید به گذشته بازگشت؛ زمانی که تراکتورسازی در دهه‌های هفتاد و هشتاد شمسی به یکی از پایگاه‌های اصلی کشف استعداد در فوتبال ایران تبدیل شده بود. آن سال‌ها، برخلاف امروز، مدیران باشگاه باور داشتند که مسیر رشد از

گزارش

در گفتگویی مطرح شد؛

فوتبال ایران باید به جای رؤیای صعود، به فکر ارتقای کیفیت باشد



وی تأکید کرد: اگر یک تیم می‌خواهد به نتایج بزرگ برسد، باید فوتبال متعادلی ارائه دهد؛ یعنی هم در حمله، هم در دفاع و هم در میانه میدان عملکرد مناسبی داشته باشد. این تعادل در نهایت به کسب نتایج بهتر منجر خواهد شد.

معینی با اشاره به ناکامی‌های متوالی ایران در عبور از مرحله گروهی جام جهانی گفت: اکنون چندین دوره است که در جام جهانی حضور پیدا می‌کنیم، اما هنوز نتوانسته‌ایم از مرحله گروهی صعود کنیم. اگر می‌خواهیم این اتفاق رخ دهد، باید یک تیم کامل و قدرتمند بسازیم. ظرفیت فوتبال ایران بالاست و این موضوع را بارها در رقابت با تیم‌های قدرتمند آسیایی نشان داده‌ایم، اما برای رسیدن به موفقیت باید نگاه کلان و برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم.

وی در ادامه با اشاره به برنامه‌ریزی تیم‌های موفق آسیایی اظهار داشت: کافی است به ژاپن نگاه کنیم. آن‌ها اهداف خود را به بهترین شکل در زمین اجرا می‌کنند و برایشان تفاوتی ندارد که مقابل برزیل بازی کنند یا سنگال یا هر تیم دیگری. این حاصل برنامه‌ریزی اصولی و تفکر بلندمدت است.

این کارشناس فوتبال در خصوص نتایج ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ گفت: از نظر نتیجه شاید کمی هم بدشانس بودیم و برخی مشکلات خارج از مسائل فنی نیز روی عملکرد تیم تأثیر گذاشت. به اعتقاد من گروه ایران آن‌قدر دشوار نبود که نتوانیم از آن امتیاز بگیریم. تصور می‌کنم اگر موفق می‌شدیم نیوزیلند را شکست دهیم، شانس بسیار خوبی برای صعود به مرحله بعد داشتیم.

معینی در پایان خاطرنشان کرد: با این حال باز هم تأکید می‌کنم که صرف صعود نکردن نباید مهم‌ترین دغدغه فوتبال ایران باشد. تا چه زمانی قرار است تنها آرزویمان عبور از مرحله گروهی باشد؟ باید هدف اصلی، ارتقای سطح فوتبال ایران باشد. زمانی که کیفیت فوتبال ما افزایش پیدا کند، صعود از گروه به یک اتفاق طبیعی تبدیل خواهد شد و حتی می‌توانیم در مراحل بالاتر نیز حضور موفقی داشته باشیم. با توجه به افزایش تعداد تیم‌های جام جهانی به ۴۸ تیم، فرصت بسیار مناسبی برای کشورهای آسیایی فراهم شده تا سطح فوتبال خود را ارتقا دهند و از این فرصت بهترین استفاده را ببرند.

معلول ضعف ساختاری است.

تیم های موفق دنیا بدون آکادمی‌های قوی، قافیه را به رقبا می‌بازند

فوتبال موفق در جهان امروز، بر ستون‌های برنامه‌ریزی بلندمدت استوار است. نگاهی به باشگاه‌های بزرگ اروپا نشان می‌دهد که حتی ثروتمندترین آنها نیز بدون آکادمی‌های قوی، قافیه را به رقبا می‌بازند. باشگاه‌هایی نظیر بارسلونا، آژاکس و بایرن مونیخ، هرچند از بهترین بازیکنان بین‌المللی بهره می‌برند، اما قلب تیم‌شان را بازیکنان تربیت‌یافته‌ی درون باشگاه تشکیل می‌دهند. فلسفه‌ای که در فوتبال ایران تقریباً به فراموشی سپرده شده است. در حالی که امکانات، استعداد انسانی و عشق هواداران در کشور ما به مراتب زیاد است، کمبود نگاه سیستمی و استمرار مدیریتی باعث شده که این مزیت‌ها هرگز به ظرفیت بالفعل تبدیل نشوند.

اعتماد به بازیکنان خارجی در بسیاری از موارد به اشتباهی پرهزینه تبدیل شده است. بازیکنانی که بدون شناخت از فرهنگ و زبان تیم، تنها برای مدتی کوتاه می‌آیند و می‌روند، نمی‌توانند روح تیم را شکل دهند. آنچه یک باشگاه را می‌سازد، تداوم و حس تعلق است، نه خریدهای گاه‌به‌گاه. فوتبال آهنگ پیوستگی می‌طلبد، اما سیاست‌های امروز باشگاه‌های ما گسست ریشه این نگاه غلط را باید در همان جایی جست‌وجو کرد که فوتبال بیش از آنکه به عنوان یک جریان توسعه‌محور دیده شود، به مسابقه‌ای اقتصادی و تبلیغاتی تقلیل یافته است.

در این میان، کمبود ثبات مدیریتی و دخالت‌های غیرحرفه‌ای در ساختار باشگاه‌ها، چرخه بی‌برنامگی را تشدید کرده است. مربیانی که شش‌ماهه و فصلی می‌آیند و می‌روند، فرصت و انگیزه‌ای برای پرورش بازیکن ندارند. طبیعی است که در چنین فضایی، تفکر برنامه‌محور و نگاه به آینده جایی نداشته باشد. مربی ترجیح می‌دهد یک بازیکن خارجی آماده را به میدان بفرستد تا نتایج فوری بگیرد، حتی اگر بدانند آن بازیکن در طولانی‌مدت به تیم آسیبی ماندگار خواهد زد. این واقعیت تلخ، چرخه‌ای معیوب را شکل داده است که در آن، وابستگی به بازیکنان خارجی هم علت و هم



زمین تمرین‌های محلی و مدارس فوتبال می‌گذرد، نه از ویتترین نقل و انتقالات خارجی. نام‌هایی چون کریم باقری، رسول خطیبی، اسماعیل حلالی، سیروس دین‌محمدی و چهره‌هایی که بعدها در تیم ملی ایران درخشیدند، حاصل همین برنامه‌ریزی و اعتماد به نسل تازه بودند. در آن دوران، تراکتور نه واردکننده بازیکن، بلکه صادرکننده استعداد بود و این ویژگی باعث شده بود که تیم نه‌تنها در جدول لیگ، بلکه در قلوب مردم جای ثابتی داشته باشد.

واردات بازیکن خارجی، ابزاری برای پنهان کردن ضعف‌های مدیریتی

اما آنچه امروز از آن سنت دیرینه باقی مانده، تنها خاطره‌ای محو است. باشگاه تراکتور و بسیاری از تیم‌های دیگر کشور، به جای سرمایه‌گذاری بر آکادمی‌ها، تمرکز خود را بر خریدهای پرزرق‌وبرق گذاشته‌اند. نتیجه این شده است که جوانان محلی فرصت دیده‌شدن پیدا نمی‌کنند و به تدریج از مسیر حرفه‌ای فوتبال دور می‌شوند. در غیاب ساختارهای اصولی استعدادیابی، واردات بازیکن خارجی به ابزاری

سخن آغاز کن



سخن آغاز کن، بشکن تمام بغض پنهان را
بخوان از سوره ی والعصر، سختی‌های دوران را
بگو سختی به آسانی مبدل می‌شود روزی
تصور کن شکوه سرزمین پاک ایران را
نگاهی کن به اوج قله و نصری که در پیش است
پس از آن خوب بنگر، لشکر مغلوب شیطان را
چه دنیای قشنگی می‌شود بی نام اسرائیل
تصور کن بهارانِ پس از سوز زمستان را
جهنم می‌شود حیفا و می‌سوزد تالابوواش
تصور کن جهان دیگر بی‌کافرستان را
و صهیون با تحیر باز هم کابوس می‌بیند...
مجیدِ موسوی، فرمانده پیروز میدان را
و دنیا، تا قیامت هم نخواهد برد از خاطر
شکوه رستم ما را و این جنگ نمایان را
به نام حضرت باران، نماز فتح می‌خوانیم
به صحنِ مسجد الاقصی... ببین سیل خروشان را
قسم بر وعده صادق که حزب الله پیروز است
نبرد آخر حق است، بنگر موج ایمان را
رهایی می‌دهد ما را ندای حضرت خاتم
بزن دست توسل بر ولی الله و قرآن را
مطیع امر مولا باش چون سید علی، هر دم
که داده وعده بر ما، روزگار رو به سامان را
اگر مولا علی موسی الرضا، سلطان ایران است
گدای حضرتش دیگر ندارد غصه ی نان را
میان صحن آزادی، قدم آهسته‌تر بردار
بخوان امشب زیارتنامه‌ی شاه خراسان را
اگر چه جای آقای شهیدان بین ما خالیست
گرفته رهبرم دامن پرمهر رضا جان را
نخواهد ماند خالی کشورم، یک لحظه از فریاد
خدا مبعوث کرده مردم کوی و خیابان را
نباشیم از تبار کوفیان ای مردم دنیا
سپاه حیدری، دیگر نبیند نقض پیمان را
عَلَم بر دوشِ سید مجتبی بعد از علی، بالاست
لک لَبیک؛ جمهوری اسلامی ایران را
محمدمهدی عبداللهی

حیا و عفت



ای خواهر من همیشه با حرمت باش
قائل به حیا و عفت و عصمت باش
از دامن تو مرد به معراج رود
پس قدر شناس این چنین فرصت باش

فرهنگ و ادب

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
زهره مسکنی، نویسنده و شاعر این حوزه، از چالش‌های ادبیات کودک امروز، نسبت کتاب و فناوری و آینده قصه‌گویی برای نسل دیجیتال می‌گوید.

زهره مسکنی نویسنده و شاعر ادبیات کودک و نوجوان، در سال‌های گذشته با آثاری در قالب‌های مختلف، از شعر کودک تا داستان و رمان نوجوان، با مخاطبان نسل جدید همراه بوده است. او در آثاری مانند رمان نوجوان «ماکارونی با سس مشاغر»، مجموعه شعرهای «ماجراهای شهر مورچه‌ای» و «ماجراهای قندون» و مجموعه داستان «دانی‌لوها» تلاش کرده است جهان کودک و نوجوان را با زبانی نزدیک به تجربه‌های زیسته آنان روایت کند. به مناسبت ۱۸ تیر، روز ادبیات کودک و نوجوان، با او درباره وضعیت امروز این ادبیات، تغییر نیازهای مخاطبان و آینده کتاب در عصر دیجیتال گفت‌وگو کردیم.

مسکنی در ابتدای این گفت‌وگو، فاصله میان ادبیات کودک امروز و نیازهای واقعی نسل جدید را نه ناشی از پیشرفت فناوری، بلکه نتیجه فاصله گرفتن نویسندگان از جهان ذهنی کودکان و نوجوانان دانست و گفت: «راستش را بخواهید، فکر نمی‌کنم مشکل ما تکنولوژی یا ابزارها باشند. فاصله اصلی اینجاست که ما باید دنیای واقعی ذهن بچه‌های امروز را قبول کنیم. ما هنوز در رویاهای خودمان برای بچه‌هایی می‌نویسیم که فکر می‌کنیم هیچ‌چیز از دنیا نمی‌دانند؛ در حالی که همین الان یک نوجوان ده دوازده ساله با یک گوشی، وسط پیچیده‌ترین مسائل فلسفی، بحران‌های محیط‌زیستی و پرسش‌های هویتی دنیاست.»

او در ادامه با اشاره به تغییر نیازهای نسل جدید، تأکید کرد که کودکان و نوجوانان دیگر با روایت‌های کلیشه‌ای و پیام‌های مستقیم اخلاقی ارتباط برقرار نمی‌کنند و افزود: «بچه‌ها دیگر با قصه رفتارهای فداکارانه کلیشه‌ای یا نصیحت‌های اتوکشیده جذب کتاب نمی‌شوند. آن‌ها در این دنیای شلوغ و پر از اضطراب، به چیزی شبیه دفترچه راهنمای زندگی نیاز دارند. ادبیات ما نباید مثل قرص مسکن عمل کند که بچه را خواب کند؛ بلکه باید به او یاد بدهد چطور با ترس‌هایش، با سوگ، با تنهایی و با همین دنیای واقعی مواجه شود. فاصله ما دقیقاً همین‌جاست؛ اینکه به جای گفتن حرف‌های تکراری و بی‌خطر، چقدر می‌توانیم پا به پای کودک در مسیر کشف دنیا قدم بزنیم.»

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
کتاب «به رسم حسین(ع)؛ سلوک عاشورایی در تربیت یاران امام عصر(عج)» نوشته حجت‌الاسلام محمد میرزامحمدی، با تدوین سیدحسین رضوی مظاهر و سیدمجید موسوی، از سوی نشر معارف منتشر شد.

کتاب «به رسم حسین(ع)؛ سلوک عاشورایی در تربیت یاران امام عصر(عج)» نوشته حجت‌الاسلام محمد میرزامحمدی، با تدوین سیدحسین رضوی مظاهر و سیدمجید موسوی، از سوی نشر معارف منتشر شد. این اثر که برگرفته از مجموعه سخنرانی‌های محرم این استاد حوزه است، تلاش دارد با تبیین پیوند میان نهضت عاشورا و فرهنگ انتظار، مبانی تربیت یاران حضرت ولی‌عصر(عج) را از منظر قرآن، روایات و سیره اهل‌بیت(ع) بررسی کند.

کتاب «به رسم حسین(ع)» حاصل تدوین مجموعه‌ای از جلسات سخنرانی حجت‌الاسلام محمد میرزامحمدی است که در دهه‌های ماه محرم با موضوع «سلوک عاشورایی در تربیت یاران امام عصر(عج)» ایراد شده است. این مباحث که پیش‌تر در قالب سخنرانی ارائه شده بود، با هدف دسترسی آسان‌تر طلاب، مبلغان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به معارف عاشورایی، توسط سیدحسین رضوی مظاهر و سیدمجید موسوی، از اعضای مؤسسه علمی و فرهنگی حدّاث الحسین(ع)، تدوین و تنظیم شده و اکنون در قالب یک کتاب از سوی نشر معارف در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.

این اثر بر این ایده استوار است که نهضت عاشورا صرفاً یک واقعه تاریخی نیست، بلکه الگویی مستمر برای تربیت انسان، اصلاح جامعه و آماده‌سازی مؤمنان برای ایفای نقش در عصر ظهور به شمار می‌آید. نویسنده با تکیه بر آیات قرآن، احادیث و سیره اهل‌بیت(ع)، تلاش می‌کند نشان دهد که بسیاری از ویژگی‌هایی که در یاران امام



ادبیات کودک باید هم‌قدم با جهان واقعی نسل جدید باشد

این نویسنده در بخش دیگری از گفت‌وگو، به نسبت کتاب و فضای دیجیتال پرداخت و بار د این تصور که میان این دو رقابتی واقعی وجود دارد، گفت: مسئله اصلی، رقابت میان «تمرکز» و «پراکندگی ذهن» است. او در این باره اظهار کرد: «من معتقدم این رقابت کتاب در برابر دیجیتال وجود ندارد. شاید بهتر باشد بحث را این‌طور پیش ببریم که کدام ابزار پیروز می‌شود؛ بحث اصلی، پیروزی تمرکز است. بله، دنیای دیجیتال، تیک‌تاک و یوتیوب و ...، در ربودن توجه لحظه‌ای ما پیروز شده‌اند؛ آن‌ها با سرعت زیاد، حواس ما را پرت می‌کنند. اما کتاب قرار نیست با تقلید از سرعت دیجیتال، با آن‌ها بجنگد. کتاب دقیقاً برعکس آن‌هاست؛ کتاب پادزهر این سرعت و پناهگاه ما برای با آرامش فکر کردن و تجربه یک سکوت فعال است.» مسکنی در ادامه صحبت‌هایش، با تشبیه فضای دیجیتال و کتاب به دو تجربه کاملاً متفاوت، افزود: «اگر بخواهم ساده بگویم، دنیای دیجیتال مثل فست‌فود حسی است؛ شما را سریع سیر می‌کند اما مغز و روح شما را تغذیه نمی‌کند. اما کتاب، مثل یک باغیان صبور است. وقتی آدم‌ها از این همه هیاهو و پراکندگی ذهنی خسته شدند، دوباره به سراغ کتاب می‌روند تا بتوانند دوباره خودشان باشند. کتاب فیزیکی فراتر از یک وسیله، تبدیل به یک تجربه لمسی و یک راه برای آرامش ذهن می‌شود.»

او در پاسخ به پرسشی درباره چگونگی تعیین مرز میان سرگرمی دیجیتال و مطالعه هدفمند برای کودکان، تأکید کرد که راه‌حل در حذف فناوری نیست، بلکه در آموزش انتخاب آگاهانه به کودک است و گفت: «شاید اشتباه ما این است که می‌خواهیم برای بچه‌ها دیوار بکشیم؛ در حالی که در دنیای امروز عملاً نمی‌شود



کودک را از فضای دیجیتال جدا کرد. مسئله این نیست که تبلت را از دستش بگیریم، مسئله این است که یاد بگیرد خودش انتخاب کند.» این نویسنده با تشریح تفاوت مطالعه با بسیاری از سرگرمی‌های دیجیتال، ادامه داد: «تفاوت سرگرمی دیجیتال با مطالعه، فقط در ابزارش نیست؛ در نوع درگیر شدن ذهن است. خیلی از محتواهای دیجیتال طوری طراحی شده‌اند که فقط توجه کودک را مصرف کنند؛ تصویر و صدا مدام عوض می‌شود و فرصت خیال‌پردازی به او نمی‌دهد. اما وقتی کودک کتاب می‌خواند، خودش در ساختن داستان شریک می‌شود. این‌بار اوست که چهره شخصیت‌ها را تصور می‌کند، فضا را می‌سازد و داستان را در ذهنش جان می‌دهد.» مسکنی با اشاره به نقش خانواده‌ها در شکل‌گیری عادت مطالعه نیز افزود: «به نظرم ما اگر بتوانیم کتاب خواندن را از یک تکلیف به یک تجربه لذت‌بخش تبدیل کنیم، بخش بزرگی از مسئله حل می‌شود. مثلاً همین که در خانه زمانی برای باهم‌خوانی، گفت‌وگو درباره داستان یا حتی چند دقیقه سکوت و تمرکز کنار کتاب وجود داشته باشد، کم‌کم کودک خودش تفاوت میان سرگرمی لحظه‌ای و لذت عمیق کشف یک داستان را حس می‌کند. این مرز را بیشتر از هر چیزی، خود تجربه به بچه‌ها یاد می‌دهد.»

کتاب در برابر دنیای دیجیتال؛ رقابت یا هم‌زیستی؟

او در ادامه درباره تغییر اولویت‌ها در ادبیات کودک، اصالت از مفهومی پویا توصیف کرد و گفت: «به نظر من نباید به اصالت مثل یک اثر مومیایی‌شده در موزه نگاه کنیم؛ اصالت یک جریان زنده و در حال حرکت است. اگر ادبیات کودک ما خودش را با مسائل واقعی بچه‌های امروز مثل اضطراب‌های دنیای مجازی،

آینده ادبیات کودک؛ جایی میان بوی کاغذ و جهان دیجیتال

دغدغه‌های محیط‌زیستی یا حتی پدیده‌ای مثل هوش مصنوعی هماهنگ نکند، پویایی‌اش را از دست می‌دهد و تبدیل به یک اثر قدیمی بی‌کاربرد می‌شود. پس این که موضوعات داستان‌ها تغییر کند، نه تنها بد نیست، بلکه نشانه زنده بودن این سینه‌به‌سینه چرخیدن قصه‌هاست.»

مسکنی با اشاره به مرز میان پویایی و تقلید، تأکید کرد: «اما یک مرز خیلی باریک اینجا وجود دارد؛ پویایی با تقلید کورکورانه فرق می‌کند. ما زمانی اصالت‌مان را از دست می‌دهیم که فقط به خاطر همراه شدن با موج‌ها یا بازارهای تجاری، شروع به کپی‌کاری کنیم. یعنی به جای اینکه با نگاه به فرهنگ و ریشه‌های خودمان به دغدغه‌های کودک امروز پاسخ دهیم، کتاب‌های ترجمه و نسخه‌های فرنگی را بی‌چون‌چرا کپی کنیم. ادبیات درست آن است که ریشه‌اش در خاک و هویت خودمان محکم باشد، اما شاخ و برگ‌هایش در هوای امروز نفس بکشد و حرف امروز را بزند.»

این نویسنده در بخش دیگری از گفت‌وگو، درباره ضرورت دفاع از کتاب برای نسل جدید، معتقد بود که استدلال‌های سنتی دیگر کارایی گذشته را ندارند و باید از زاویه‌ای متفاوت با کودکان و نوجوانان سخن گفت. او در این باره اظهار کرد: «به نظر می‌رسد اگر بخواهیم از کتاب برای نسل جدید دفاع کنیم، دیگر نمی‌شود با همان استدلال‌های قدیمی جلو رفت. اینکه مثلاً بگوییم کتاب بخوان تا دایره لغاتت بیشتر شود، برای بچه‌های امروز خیلی قانع‌کننده نیست. باید از زاویه‌ای حرف بزنیم که برای خودشان مهم باشد؛ یعنی از استقلال، تخیل و متفاوت بودن.»

مسکنی در ادامه، کتاب را یکی از معدود فضاهای امن برای خلوت ذهن انسان توصیف کرد و گفت: «اول از همه، کتاب هنوز یکی از معدود جاهایی است که آدم در آن واقعاً تنهاست؛ نه کسی دارد حواسش را ردیابی می‌کند، نه الگوریتمی مدام چیزی به او پیشنهاد می‌دهد. در دنیایی که بیشتر وقت بچه‌ها در صفحه‌هایی می‌گذرد که مدام می‌خواهند توجه‌شان را نگه دارند، کتاب یک جور خلوت امن است.»

او همچنین با تأکید بر نقش تخیل در مطالعه افزود: «از طرف دیگر، کتاب جایی است که تخیل کودک واقعاً به کار می‌افتد. در فیلم و بازی، همه‌چیز از قبل ساخته و آماده است؛ اما در کتاب، این خود خواننده است که آدم‌ها، فضاها و حتی حال‌وهوای قصه را در ذهنش می‌سازد. همین مشارکت ذهنی، کتاب را به تجربه‌ای تبدیل می‌کند که هیچ تصویر آماده‌ای نمی‌تواند جای آن را بگیرد.»



روایات، جلوه‌های مختلف این ویژگی اخلاقی را در زندگی شخصیت‌های دینی بررسی کرده و حضرت علی‌اکبر(ع) را نمونه‌ای از اوج جوانمردی و وفاداری معرفی می‌کند.

جلسه نهم کتاب با عنوان «بصیرت و ثبات قدم؛ آسیب‌شناسی دینداری فصلی» به بررسی نقش بصیرت در استمرار ایمان اختصاص یافته است. در این بخش، مباحثی مانند اهمیت بصیرت دینی، تحلیل انحراف خواص، ضرورت همراهی با امام و آسیب‌های نفاق در جوامع دینی مطرح می‌شود و نویسنده تلاش می‌کند عوامل سستی ایمان و دینداری مقطعی را مورد واکاوی قرار دهد.

آخرین فصل کتاب نیز با عنوان «پیوند عمیق نهضت حسینی و قیام مهدوی» به ارتباط میان فرهنگ عاشورا و انتظار می‌پردازد. در این بخش، امتداد مسیر امامت از عاشورا تا عصر ظهور، جایگاه دعای ندبه در تبیین این پیوند، نقش شعائر حسینی در حفظ هویت دینی و تأثیر فرهنگ انتظار در زیست اجتماعی مؤمنان مورد بحث قرار گرفته است.

کتاب «به رسم حسین(ع)» افزون بر ارائه مباحث اعتقادی و تاریخی، با حفظ ساختار سخنرانی‌ها، کوشیده است زبانی روان و قابل استفاده برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان داشته باشد. از این رو، طلاب، خطیبان، مبلغان، مداحان، دانش‌جویان و پژوهشگران حوزه معارف اسلامی می‌توانند از آن به عنوان منبعی برای مطالعه، پژوهش و بهره‌گیری در فعالیت‌های تبلیغی استفاده کنند.

روایت زنی که آتش اشتیاق حج را به کلمات سپرد

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر

کتاب «آتشی که نمی‌میرد؛ روایت زنی تنها در سفر حج» نوشته فرزانه‌سادات فاطمی، به همت انتشارات سوره مهر منتشر شد.

کتاب «آتشی که نمی‌میرد؛ روایت زنی تنها در سفر حج» نوشته فرزانه‌سادات فاطمی، تازه‌ترین اثر انتشارات سوره مهر است که به‌تازگی روانه بازار نشر شده است. «آتشی که نمی‌میرد» سفرنامه‌ای متفاوت از حج است؛ روایتی که به جای پرداختن صرف به مناسک، از زاویه نگاه یک زن، تجربه زیستن در این سفر معنوی را با زبانی روان، صمیمی و بی‌تکلف به تصویر می‌کشد. نویسنده در این اثر، لحظه‌های ناب حضور در مکه و مدینه، گفت‌وگوهای میان زائران، نگرانی‌ها، شوق‌ها و

تجربه‌های شخصی خود را روایت کرده و تلاش کرده است تصویری ملموس از حال‌وهوای این سفر ارائه دهد. از ویژگی‌های این کتاب، توجه به جزئیات و روایت اتفاقات روزمره‌ای است که کمتر در سفرنامه‌های حج به آن پرداخته شده است. همین ویژگی باعث شده «آتشی که نمی‌میرد» علاوه بر علاقه‌مندان به ادبیات سفر، برای افرادی که قصد تشرّف به سرزمین وحی را دارند نیز اثری خواندنی و کاربردی باشد و بتواند به‌عنوان کتابچه‌ای راهنما در کنار آنان قرار گیرد.

در بخشی از این کتاب آمده است:

«وارد می‌شویم. فاطمه می‌گوید: من هروقت وارد مسجدالحرام می‌شم بی‌اختیار می‌گم السلام علیک یا

مقصود علی معصومی آلچه قشلاق.

۵- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵/۰۲/۲۴۰۰۰۸۷۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق به مساحت ۲۸۶۱.۶۵ متر مربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصودعلی معصومی آلچه قشلاقی.

۶- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۷۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق، به مساحت ۲۷.۹۸ مترمربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصودعلی معصومی آلچه قشلاق.

۷- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۷۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق به مساحت ۴۶۴.۰۷ متر مربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصودعلی معصومی آلچه قشلاق.

۸- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۷۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق به مساحت ۲۵۵۲.۹۹ مترمربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصود علی معصومی آلچه قشلاق.

۹- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۷۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی

علی‌بن‌موسی‌الرضا، گاهی هم می‌گم السلام علیک یا سیدالشهدا. می‌خندیدم؛ ما هم گاهی گیج می‌زنیم. فهمیده می‌گوئید: باید به خدا سلام کنی. من می‌گویم: باید به رسول‌الله سلام کنیم؛ السلام علیک ایها النبی و رحمۀ‌الله و برکاته. فهمیده می‌گوئید: این مال مدینه نیست؟» این گفت‌وگوهای ساده و صمیمی، نمونه‌ای از فضای کتاب است که در آن نویسنده بدون تکلف، تجربه‌های واقعی و احساسات زائران را روایت می‌کند و مخاطب را با خود در مسیر این سفر معنوی همراه می‌سازد.کتاب «آتشی که نمی‌میرد؛ روایت زنی تنها در سفر حج» نوشته فرزانه‌سادات فاطمی در ۴۰۴ صفحه، قطع رقعی از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق به مساحت ۱۸۰۵.۳۷ متر مربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصود علی معصومی آلچه قشلاق.

۱۰- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۷۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان، واقع در روستای آلچه قشلاق به مساحت ۶۷۳۰.۳۴ متر مربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصود علی معصومی، آلچه قشلاق.

۱۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۸۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق، به مساحت ۳۳۱۱.۳۱ متر مربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصود علی معصومی آلچه قشلاق.

۱۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۸۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای علی معصومی نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق به مساحت ۷۱۶۳.۹۲ متر مربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصود علی معصومی آلچه قشلاق.

۱۳- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۸۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای علی معصومی نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق به مساحت ۷۸۵۵.۹۳ متر مربع، انتقال مالکیت از مرحوم

۱۸. خانم خانم حسینیلی زاده فرزند عقیلی در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۰۶/۰۹متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹ – ۱۹.آقای علی برزک فرزند بالاخان در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۹۶۰/۵۶ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹ – اصلی ابیاعی از بالاخان برزگر برابر تقسیم نامه بین وراث ۲۰.آقای کرامت برزگر فرزند عزت اله در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۳۳/۸ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹ – اصلی ابیاعی از عزت اله برزگر برابر تقسیم نامه بین وراث ۲۱. آقای کرامت برزگر فرزند عزت اله در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۷/۵۷ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹ – اصلی ابیاعی از عزت اله برزگر برابر تقسیم نامه بین وراث ۲۲.آقای حسن نعمت نژاد فرزند روح اله در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۱۰۳/۳۲ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹ – اصلی ابیاعی از روح اله نعمت نژاد ۲۳.آقای مهدی فتحی فرزند عزت اله در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۸۱۱/۲۴ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹– اصلی ابیاعی از خانم ثریا حسن زاده ۲۴.آقای یحیی رضاپور فرد فرزند نبی در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۸۳۴/۵۶ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹ – اصلی ابیاعی از لطیف رضاپور فرد برابر تقسیم نامه بین وراث ۲۵. آقای یحیی رضاپور فرد فرزند نبی در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۱۰/۴۶ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹ – اصلی ابیاعی از لطیف رضاپور فرد برابر تقسیم نامه بین وراث ۲۶.خانم لیلا رضاپور فرد فرزند نبی در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۴۴/۲۴ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹– اصلی ابیاعی از لطیف رضاپور فرد برابر تقسیم نامه بین وراث ۲۷.آقای محرم رضاپور فرد فرزند نبی در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۷۲۷/۰۷ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹– اصلی ابیاعی از لطیف رضاپور فرد برابر تقسیم نامه بین وراث ۲۸.خانم سکنیه رضاپور فرد فرزند نبی در دو دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۰۰/۷۱ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹– اصلی ابیاعی از لطیف رضاپور فرد برابر تقسیم نامه بین وراث

۲۹.خانم رقیه رضاپور فرد فرزند نبی در دودانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۰۰/۷۱ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹– اصلی ابیاعی از لطیف رضاپور فرد برابر تقسیم نامه بین وراث

یکشنبه ۲۱ تیر ماه ۱۴۰۵ – سال بیستم – شماره ۳۵۸۳

شناسه آگهی: ۲۲۲۲۱۶۱	روزنامه طرح نو
شماره:۱۴۰۵/۱۰/۲۴/۲۳۴۴ تاریخ:۱۴۰۵/۰۴/۱۶	تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیر الانتشار محلی آگهی می‌شود تا در صورتیکه اشخاص حقیقی یا حقوقی به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به دادگاه عمومی محل تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات عملیات ثبتی ادامه و سند مالکیت صادر خواهد شد.
	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶
	شهرام قره باغی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ورزقان

شناسه آگهی: ۲۲۲۰۵۰۴	روزنامه طرح نو
شماره:۱۴۰۵/۱۰/۴/۲۲۱۵ تاریخ:۱۴۰۵/۰۴/۱۰	مقصود علی معصومی، آلچه قشلاق.
۵- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۷۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق به مساحت ۲۸۶۱.۶۵ متر مربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصودعلی معصومی آلچه قشلاقی.	مقصود علی معصومی، آلچه قشلاق.
۶- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۷۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق، به مساحت ۲۷.۹۸ مترمربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصودعلی معصومی آلچه قشلاق.	مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۸۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت خانم آذر معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق به مساحت ۳۲۸۸.۵۷ مترمربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصود علی معصومی آلچه قشلاق.
۷- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۷۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق، به مساحت ۴۶۱۰.۲۶ متر مربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصود علی معصومی آلچه قشلاق.	۲۰- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۸۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت خانم آذر معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق به مساحت ۴۹۸۶.۷۱ متر مربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصود علی معصومی آلچه قشلاق.
۸- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۷۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق به مساحت ۲۵۵۲.۹۹ مترمربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصود علی معصومی آلچه قشلاق.	لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیر الانتشار محلی آگهی می‌شود تا در صورتیکه اشخاص حقیقی یا حقوقی به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به دادگاه عمومی محل تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات عملیات ثبتی ادامه و سند مالکیت صادر خواهد شد.
۹- مطابق رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۸۷۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مالکیت آقای احمد معصومی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آلچه قشلاق، به مساحت ۵۱۶۳.۵۰ متر مربع، انتقال مالکیت از مرحوم مقصود علی معصومی آلچه قشلاق.	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶
	شهرام قره باغی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ورزقان

شناسه آگهی: ۲۲۱۴۱۴۸	روزنامه طرح نو
تاریخ: ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ شماره: ۱۴۰۵/۰۴/۲۵/۳۷	قطعه باغ به مساحت ۸۳۲۵/۰۸متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹–اصلی ابیاعی از اسداله اسدپور
	۴۳. خانم لیلا اسدپور فرزند عزت در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۰۴۸/۴۴ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹– اصلی ابیاعی از عزت اسدپور
	۴۴. آقای رسول اسدپورفرد فرزند اسداله در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۰۹۵/۶۶ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹– اصلی ابیاعی از اسداله اسدپورفرد
	۴۵. آقای علیرضا قنبری اقدم فرزند زلفعلی در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۰۵۵/۷۲ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹– اصلی ابیاعی از حسین قنبری اصل
	۴۶. آقای رضا سعدیان فرزند بهمن در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۶۱۳۵/۸۵متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹– اصلی ابیاعی از بهمن سعدیان
	۴۷. آقای عدالت سعدیان فرزند نعمت در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۹۹/۶۳متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹–اصلی ابیاعی از بهمن سعدیان
	۴۸. آقای بهلول سعدیان فرزند نعمت در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۵۲۴/۰۵ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹–اصلی ابیاعی از بابرام رضازاده
	۴۹. آقای بهلول سعدیان فرزند نعمت در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۲۱۲۱/۰۸ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹– اصلی ابیاعی از سخاوت حضرتی
	۵۰. آقای مصطفی حسین نژاد فرزند سلمان در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۳۰۸/۶۳ متر مربع مفروزه از پلاک ۱۹–اصلی ابیاعی از عرشه گل حسین پور
	- - بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد
	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
	اکبردهقان مسئول نمایندگی اداره ثبت اسناد و املاک هوراند

در بخش سرطان بیمارستان کودکان تبریز چه می‌گذرد؟

طرح نو؛ گروه گزارش

موهای بلند برای بسیاری از دخترها فقط چند تار مو نیست، بخشی از هویت، لطافت و دنیای دخترانه‌شان است. بستن یک کش موی رنگی، گذاشتن یک گل‌سر کوچک یا بافتن موها، لذت‌های ساده‌ای است که لبخند را به چهره‌شان می‌آورد. اما سرطان، گاهی پیش از آنکه کودکی را از بازی‌هایش دور کند، موهایش را از او می‌گیرد و آینه را برایش غریبه می‌کند.

شاید برای پسرها کم‌مو شدن کمتر به چشم بیاید، اما برای یک دختر، از دست دادن موها فقط یک تغییر ظاهری نیست؛ زخمی است بر احساس، اعتمادبه‌نفس و کودکی‌اش.

این روایت را از بخش کودکان بیمارستان زهرا مردانی‌آذر تبریز می‌نویسم، جایی که دخترچهای روزهای سخت مبارزه با سرطان را پشت سر می‌گذارند. روزی موهای بلند و زیبایی داشت، اما بیماری پیش از آنکه از او کودکی‌اش را بگیرد، موهایش را گرفت. چند روز پیش، برادر کوچکش برای دیدنش آمده بود اما او را نشناخت. با چشمانی پر از اشک گفت: «من خواهرم را نمی‌خواهم، این خواهر من نیست.» شاید او هنوز نمی‌داند سرطان چه می‌کند، اما خوب می‌داند خواهرش دیگر شبیه همان دختری نیست که همیشه در آغوشش می‌گرفت و باهم بازی می‌کردند. گاهی درد یک بیماری فقط رنج جسم نیست، درد واقعی، اشک‌های خانواد‌ای است که هر روز تکه‌ای از آرامش و لبخندشان را از دست می‌دهند.

در همین بیمارستان، درد فقط در اتاق‌های بستری جریان ندارد، گاهی در راهروها هم می‌توان فرو ریختن یک زندگی را تماشا کرد. پدری را تصور کنید که هنوز صدای پزشک در گوشش می‌پیچد، «فرزندتان به سرطان مبتلا شده است.» هنوز چند قدم از اتاق بیرون نیاوده که دنیا روی سرش آوار می‌شود و همان‌جا، در راهروی بیمارستان، از شدت شوک سکنه می‌کند. سرطان فقط جسم یک کودک را هدف نمی‌گیرد، گاهی قلب پدر را، صبر مادر را و آرامش تمام یک خانواده را با خود می‌برد. وقتی از صبر یک مادر حرف می‌زنیم، یعنی مادری که ۱۵ سال چشم‌انتظار آمدن فرزندش بود، سال‌ها دعا کرد، اشک ریخت و آرزو کرد تا سرانجام خداوند پسری را به او هدیه داد. چند سال بعد، پدر این کودک از دنیا رفت و تمام دنیای مادر، در همان پسر خلاصه شد. چهارده سال تمام، او را روی چشمش گذاشت و با همه وجود بزرگش کرد، اما یک روز، تنها با شنیدن یک جمله، تمام آرزوهایش فرو ریخت: «پسر‌تان سرطان دارد.» پزشکان از درمانش ناامید شده‌اند، اما او یک مادر است مگر می‌شود دست روی دست بگذارد و هر روز آب شدن ذره‌ذره جگر‌گوشه‌اش را تماشا کند؟ به هر دری زده، به هر پزشکی مراجعه کرده، هر جا گفته‌اند رفته، به هر امامزاده‌ای که نشانی‌اش را داده‌اند دخیل بسته، نذر کرده، دعا کرده و هنوز هم چشم‌انتظار همان معجزه‌ای است که دوباره لبخند را به چهره تنها دزایی زندگی‌اش برگرداند؛ پسری که همه دنیای اوست.

و تلخ‌ترین بخش این قصه، همان‌جاست، جایی که سال‌ها با عشق، شب‌بیداری، نگرانی و امید، کودک را بزرگ کرده‌ای، قد کشیدنش را دیده‌ای و برای آینده‌اش هزاران رؤیا ساخته‌ای، اما ناگهان بیماری از راه می‌رسد و همه آن آرزوها را به چالش می‌کشد. گویی می‌خواهد عزیزترین تکه وجودت را از آغوشت بگیرد.



اینجا هر کودکی آرزویی در دل دارد، یکی دوست دارد وقتی بزرگ شد کارخانه داشته باشد، دیگری می‌خواهد پزشک شود، یکی معلم شدن را در سر می‌پروراند و یکی هم فقط آرزو دارد دوباره مثل گذشته بدود و بازی کند. آرزو، آرزوست چه کوچک باشد و چه بزرگ، همه کودکان حق دارند برای فردایشان رویا بیافند.

خالی از لطف نیست که بگویم با ورود به بیمارستان، نخستین موردی که بیش از هر چیز دیگری جلب توجه می‌کرد، نظم، پاکیزگی و بهداشتی و فضای آرام بیمارستان بود. محیطی تمیز، بهداشتی و آراسته که در کنار امکانات درمانی مناسب، تلاش شبانه‌روزی کادر درمان را به‌خوبی به تصویر می‌کشید.

پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستان با صبوری و دلسوزی در کنار کودکان و خانواده‌هایشان حضور داشتند و در میان روزهای سخت درمان، می‌کوشیدند بخشی از نگرانی و اضطراب آنان را کاهش دهند. بی‌تردید فراهم بودن چنین محیطی، در کنار تخصص و تجربه کادر درمان، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد حس امنیت و آرامش برای بیمار و خانواده اوست، آرامشی که در مسیر دشوار درمان، ارزشی کمتر از دارو ندارد.

از همه این روایت‌های تلخ که بگذریم، سرطان فقط جان را به چالش نمی‌کشد، زندگی یک خانواده را هم زیر بار هزینه‌های سنگین درمان خم می‌کند. کم نیستند پدر و مادرهایی که برای زنده ماندن فرزندشان، خانه، ماشین، طلا و تمام دارایی‌شان را می‌فروشد، فقط به امید اینکه شاید درمان، فرصتی دوباره برای زندگی به کودکشان بدهد. اما درد آنجاست که همه خانواده‌ها چیزی برای فروختن ندارند، آن وقت باید به کدام در پناه ببرند و از چه کسی کمک بخواهند؟

واقعیت تلخ این است که ۲۲ فروردین‌ماه سال جاری، هزینه تأمین تنها ۲۱ دز از یکی از آمپول‌های مورد نیاز درمان این بیماری در داروخانه‌های دولتی، بیش از یک میلیارد تومان بوده است آن هم بدون پوشش بیمه‌ای، رقمی که برای بسیاری از خانواده‌ها، فراتر از توان و تصور است.

تمام این روایت‌ها گفته شد تا یادمان نرود سرطان، فقط یک تشخیص پزشکی نیست، بیماری‌ای است که گاهی آرامش یک خانواده، توان یک پدر، صبر یک مادر و لبخند یک کودک را هم با خود می‌برد. این روایت‌ها برای ترساندن نیست، برای آگاه شدن است، برای

والدین، برای نظام سلامت و برای همه کسانی که به هر شکل در مسیر پیشگیری، تشخیص و درمان این بیماری نقش دارند. واقعیت این است که سرطان، هرچه زودتر تشخیص داده شود، شانس درمان و بهبودی را به‌مراتب بیشتر می‌کند و می‌تواند فرصت دوباره‌ای برای زندگی به بیمار بدهد. گاهی یک تشخیص به‌موقع، نه فقط جان یک کودک، بلکه آینده یک خانواده را نجات می‌دهد.

از رنگ پریدگی تا کبودی‌های بی‌دلیل، نشانه‌هایی که نباید در کودکان نادیده گرفته شوند
یک فوق تخصص خون و سرطان کودکان در گفت‌وگو با ایسنا با تأکید بر ضرورت توجه والدین به علائم کم‌خونی در کودکان، گفت: رنگ‌پریدگی، بی‌حوصلگی، کم‌اشتهایی، خونریزی از بینی یا لثه و کبودی‌های غیرعادی بدن از جمله نشانه‌هایی هستند که نباید نادیده گرفته شوند، زیرا در برخی موارد ممکن است این علائم ناشی از بیماری‌های جدی مانند سرطان خون باشند.

عباسعلی حسین‌پور فیضی با بیان اینکه هموگلوبین و هماتوکریت از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی گلبول‌های قرمز خون هستند، اظهار کرد: هرگاه میزان این شاخص‌ها کمتر از حد طبیعی باشد، کم‌خونی رخ می‌دهد. البته در برخی موارد، کم‌خونی بدون علامت است و تنها از طریق انجام آزمایش خون تشخیص داده می‌شود.

وی با اشاره به اینکه کم‌خونی می‌تواند منشأ ارثی یا اکتسابی داشته باشد، افزود: تالاسمی مینور یا خفیف یکی از شایع‌ترین اختلالات ارثی خون در کودکان است، اما کم‌خونی اکتسابی نیز در اثر عواملی همچون تغذیه نامناسب، خونریزی یا برخی بیماری‌ها در طول زندگی ایجاد می‌شود.

این فوق تخصص خون و سرطان کودکان با تأکید بر اهمیت تشخیص زودهنگام، تصریح کرد: آنچه بیش از همه موجب نگرانی متخصصان می‌شود، مواردی است که کم‌خونی ناشی از بیماری‌های بدخیم از جمله سرطان خون باشد، به همین دلیل والدین نباید علائم کم‌خونی را سرسری بگیرند و لازم است در صورت مشاهده این نشانه‌ها، پیگیری‌های پزشکی لازم را انجام دهند.

وی با توصیه به انجام غربالگری و چکاپ دوره‌ای کودکان، گفت: انجام آزمایش‌های لازم در یک‌سالگی، سنین ۶ تا ۷ سالگی و همچنین دوران نوجوانی، به‌ویژه

در دختران، می‌تواند در تشخیص زودهنگام بسیاری از بیماری‌ها مؤثر باشد.

حسین‌پور فیضی با اشاره به شیوع بیشتر تالاسمی در استان‌های شمالی و جنوبی کشور و مناطق همجوار دریاه‌ا، اظهار کرد: در صورتی که هر دو والد مبتلا به تالاسمی مینور باشند، احتمال تولد فرزند مبتلا به تالاسمی ماژور حدود ۲۵ درصد است. این بیماران تا پایان عمر به تزریق منظم خون و مراقبت‌های تخصصی نیاز دارند.

وی درباره بیماری هموفیلی گفت: هموفیلی یک اختلال ارثی خون‌ریزی‌دهنده است که بیشتر در پسران مشاهده می‌شود، هرچند دختران نیز ممکن است به آن مبتلا شوند. در صورت ادامه‌دار بودن هرگونه خونریزی بیش از حد معمول، مراجعه به پزشک ضروری است. این فوق تخصص خون و سرطان کودکان با تأکید بر نقش تغذیه مادران در دوران بارداری در پیشگیری از برخی انواع کم‌خونی، خاطرنشان کرد: مصرف غذاهای تازه، میوه، سبزیجات، غذاهای خانگی، ویتامین‌ها و آنتی‌اکسیدان‌ها در دوران بارداری توصیه می‌شود و بهتر است از مصرف فست‌فودها، غذاهای فرآوری‌شده و برخی نوشیدنی‌های گازدار پرهیز شود.

در کودکان سرطان‌های خونی، لنفوم، تومورهای مغزی، رتینوبلاستوما(سرطان چشم)، سرطان‌های استخوان و بافت نرم شایع‌تر هستند

یک فوق‌تخصص خون و آنکولوژی نیز اظهار کرد: سرطان‌های خونی انواع مختلفی دارند که برخی حاد و برخی مزمن هستند و روش‌های درمانی متفاوتی دارند. اغلب این سرطان‌ها با شیمی‌درمانی و پیوند قابل درمان هستند و پیوند آلوزئیک در سرطان‌های خونی حاد می‌تواند منجر به بهبودی شود. در حال حاضر این پیوندها در تبریز انجام می‌شود و سلول‌درمانی نیز در آینده نزدیک به خدمات درمانی اضافه خواهد شد. بابک نجاتی افزود: در کودکان سرطان‌های خونی، لنفوم، تومورهای مغزی، رتینوبلاستوما(سرطان چشم)، سرطان‌های استخوان و بافت نرم شایع‌تر هستند و درمان آن‌ها شامل شیمی‌درمانی، رادیوتراپی، پیوند و سایر روش‌هاست.

در بیمارستان کودکان پیشین تبریز واقع در ششگلان، فضایی به‌عنوان اتاق بازی برای کودکان بستری در نظر گرفته شده بود، اما در بیمارستان کودکان مردانی‌آذر تبریز واقع در خاوران، چنین فضایی وجود ندارد. با توجه به شرایط روحی کودکان مبتلا به بیماری‌های سخت، ایجاد حتی یک اتاق بازی کوچک می‌تواند نقش مؤثری در کاهش اضطراب، افزایش روحیه و همراهی بهتر آنان با روند درمان داشته باشد. انتظار می‌رود مسئولان استانی با توجه به اهمیت سلامت روان کودکان در کنار درمان جسمی، برای تأمین این فضای ضروری تدبیری بیندیشند.

دسترسی به خدمات، مهم‌ترین چالش درمان سرطان کودکان در ایران است

جواد میلانی مدیرعامل یکی از مؤسسات حمایت از کودکان مبتلا به سرطان با بیان اینکه سالانه حدود ۴۰۰ هزار کودک در جهان به سرطان مبتلا می‌شوند، گفت: در ایران آمار رسمی و جامعی از سرطان کودکان ثبت و ضبط نمی‌شود و این موضوع یکی از چالش‌های مهم

در برنامه‌ریزی برای درمان و حمایت از بیماران است. وی با بیان اینکه در تعریف پزشکی، افراد از بدو تولد تا ۱۸ سالگی کودک محسوب می‌شوند، افزود: اهمیت سرطان کودکان از این جهت است که بر اساس اعلام سازمان جهانی بهداشت، از هر پنج کودک مبتلا به سرطان، چهار کودک در صورت برخورداری از شرایط مناسب درمان، شانس بهبودی دارند.

وی ادامه داد: برای درمان و نجات جان یک کودک

مبتلا به سرطان، دو عامل اساسی وجود دارد، نخست اینکه آیا در آن کشور امکان درمان سرطان کودکان وجود دارد یا خیر و دوم اینکه آیا کودک مبتلا به خدمات درمانی دسترسی دارد یا نه. در کشور ما امکانات درمانی برای سرطان‌های کودکان وجود دارد، اما مسئله اصلی دسترسی بیماران به این خدمات است.

مدیرعامل این موسسه با اشاره به شیوع انواع سرطان در کودکان گفت: بالغ بر ۹۸ درصد مبتلایان کودک، به انواع سرطان خون دچار هستند، در حالی که فراوانی این نوع سرطان در بزرگسالان کمتر است. تنها دو تا سه درصد کودکان مبتلا به سایر انواع سرطان هستند که برخی از آن‌ها نیز قابلیت جراحی ندارند.

وی با اشاره به اهداف سازمان جهانی بهداشت اظهار کرد: این سازمان برنامه‌ریزی کرده است تا نرخ درمان کودکان مبتلا به سرطان را تا سال ۲۰۳۰ به ۶۰ درصد برساند.

وی با بیان اینکه بیمارستان کودکان مردانی‌آذر تبریز یکی از مراکز مجهز و پیشرفته بوده و خدمات بسیار خوبی به بیماران ارائه می‌دهد اما در عین حال کمبودهایی نیز دارد، اظهار کرد: متأسفانه در این بیمارستان هنوز فضایی برای اتاق بازی کودکان وجود ندارد و چند سال است که پیگیر اختصاص مکانی برای این موضوع هستیم.

مدیرعامل مؤسسه تسکین با اشاره به روند درمان بیماران گفت: اگر فرآیند شیمی‌درمانی پاسخگو نباشد، آخرین روش درمان، پیوند سلول‌های بنیادی است که بخش عمده این پیوندها در شهر تهران انجام می‌شود. وی ادامه داد: در مواردی که داروی مورد نیاز بیمار باید در زمان مشخص تهیه شود، اگر این دارو با تأخیر تأمین شود، دیگر اثربخشی لازم را نخواهد داشت.

میلانی با اشاره به هزینه‌های سنگین درمان اظهار کرد: یکی از داروهای نسل جدید و هوشمند برای درمان سرطان، برای حداقل هفت دُز تا ۲۱ دوز تجویز می‌شود که هزینه ۲۱ دُز آن در داروخانه‌های دولتی بیش از یک میلیارد تومان است. برای برخی کودکان هفت دوز کافی است و برای برخی دیگر ممکن است به تعداد بیشتری نیاز باشد.

وی افزود: درمان سرطان بدون عارضه نیست و یکی از مهم‌ترین عوارض آن از دست رفتن استخوان است. در جریان شیمی‌درمانی یا به دلیل نوع سرطان، بخشی از استخوان از بین می‌رود و این موضوع توانایی حرکتی کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در نتیجه ناچار به استفاده از ایمپلنت هستیم که هزینه آن بین ۷۰ تا ۳۳۰ میلیون تومان است.

مدیرعامل مؤسسه گفت: انجام برخی عمل‌های زیبایی در مادران می‌تواند باعث بروز سرطان در کودکان شود. وی با اشاره به افزایش هزینه‌های درمان این بیماری گفت: قیمت داروها از سال گذشته تاکنون حدود ۲۸۰ درصد افزایش یافته است. / ایسنا

گزارش



پژوهش نشان می‌دهد که این رفتار می‌تواند نشانه‌ای از دشواری در مدیریت احساسات و کاهش آگاهی از وضعیت درونی فرد باشد. به بیان ساده، وقتی نوجوانی نتواند فشار روانی، استرس یا افکار منفی خود را به شیوه‌ای سالم مدیریت کند، ممکن است به پرخوری به‌عنوان یک راه‌حل موقت پناه ببرد. از سوی دیگر، ذهن‌آگاهی بالاتر می‌تواند به نوجوان کمک کند پیش از واکنش تکانشی، احساساتش را بشناسد و با آگاهی بیشتری با آنها روبه‌رو شود.

بر اساس اطلاعات ارائه‌شده در این پژوهش، نتایج فوق می‌توانند مبنایی برای طراحی برنامه‌های پیشگیری و حمایت روانی باشند؛ برنامه‌هایی که به جای تمرکز صرف بر تغذیه، بر آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان، خودآگاهی و راهبردهای سالم مقابله با استرس نیز تأکید کنند. نتایج به‌دست‌آمده به‌خوبی نشان می‌دهند که توجه به این عوامل روان‌شناختی می‌تواند در شناخت بهتر پرخوری عصبی در نوجوانان دختر مفید باشد.

صنعت پوشاک آذربایجان غربی زیر فشار قاچاق؛ رکود و گرانی مواد اولیه

طرح نو؛ گروه گزارش
صنعت پوشاک آذربایجان‌غربی با وجود فعالیت هزاران واحد صنعتی، تولید سالانه حدود ۷ میلیون دست لباس و ظرفیت بالای اشتغال بانوان، این روزها زیر فشار رکود بازار، قاچاق، گرانی مواد اولیه، مالیات، کمبود نقدینگی و نبود آمار دقیق صادرات و واردات قرار گرفته است.

از دوازدهم تیرماه به مدت یک هفته در تقویم به نام روز خیاط، صنعت نساجی و هفته پوشاک ثبت شده است؛ روزی که اگرچه می‌تواند فرصتی برای قدردانی از هنرمندان سوزن و پارچه باشد، اما در آذربایجان‌غربی بیش از آنکه یادآور جشن و تریک باشد، پنجره‌ای برای دیدن واقعیت‌های صنعتی، اقتصادی و اجتماعی یکی از پرظرفیت‌ترین صنایع استان است.

صنعت پوشاک در آذربایجان‌غربی، صنعتی صرفاً فروشگاهی یا مناسبیتی نیست؛ زنجیره‌ای گسترده از کارخانه نساجی، کارگاه‌های تولیدی، خیاطان خانگی، مزون‌ها، آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای، فروشندگان بازار، بانوان کارآفرین و واحدهای صنعتی را در بر می‌گیرد. این صنعت از یک سو می‌تواند به اشتغال‌زایی، توانمندسازی بانوان، رونق تولید داخلی و حتی صادرات به کشورهای همسایه کمک کند و از سوی دیگر، امروز با چالش‌هایی روبه‌روست که ادامه فعالیت بسیاری از فعالان آن را دشوار کرده است.

فعالیت ۳۱۴۹واحد صنعتی و صنفی تولید پوشاک در آذربایجان‌غربی

بر اساس اعلام سخاوت خیرخواه، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان‌غربی، در سطح استان ۲۹ واحد صنعتی پوشاک با اشتغال ۳۳۴ نفر فعال است. همچنین تعداد واحدهای صنعتی تولیدی پوشاک در استان ۳۱۰۰ واحد اعلام شده و میزان تولید سالانه واحدهای صنفی پوشاک حدود ۷ میلیون دست لباس است.

این اعداد نشان می‌دهد پوشاک در آذربایجان‌غربی صنعتی گسترده، اما عمدتاً خرد و کارگاهی است؛ صنعتی که بخش مهمی از بار اشتغال آن بر دوش واحدهای کوچک، تولیدکنندگان محلی و فعالان صنفی قرار دارد. با این حال، نکته قابل تأمل آنجاست که به گفته رئیس سازمان صمت استان، آمار دقیقی از میزان واردات یا صادرات پوشاک از استان قابل استخراج نیست؛ موضوعی که در استانی مرزی، آن هم در صنعتی درگیر با قاچاق و رقابت خارجی، می‌تواند یکی از خلاهای جدی سیاست‌گذاری باشد.

بازار پوشاک؛ وقتی خرید لباس از اولویت خانواده‌ها خارج می‌شود

بهروز علی‌قشنگی، رئیس اتحادیه تولیدکنندگان پوشاک و خیاطان ارومیه، مهم‌ترین مسئله امروز این صنف را فاصله میان هزینه تولید و توان خرید مردم می‌داند. به گفته او، کاهش قدرت خرید خانوارها، افزایش قیمت مواد اولیه، نوسان نرخ ارز، رکود بازار، فروش مدت‌دار و کمبود نقدینگی، هزینه‌های جانبی و رقابت با پوشاک قاچاق و ارزان، فشار زیادی بر تولیدکنندگان و خیاطان وارد کرده است.

او می‌گوید وقتی خانواده‌ها با هزینه‌های ضروری‌تر روبه‌رو هستند، خرید لباس نو را به تعویق می‌اندازند و همین موضوع باعث کاهش قدرت خرید خانوارها، افت سود تولیدکنندگان می‌شود. از سوی دیگر، پارچه، نخ، زیپ، دکمه، لایی و بسیاری از ملزومات دوخت وابسته به قیمت ارز و واردات است و با افزایش هزینه تولید، بازار توان پذیرش افزایش قیمت نهایی را ندارد.

به گفته رئیس اتحادیه تولیدکنندگان پوشاک و خیاطان ارومیه، در ارومیه حدود ۱۰۰۰ کارگاه خیاطی و تولید پوشاک مجاز فعال است و در کنار آن حدود ۲۰۰ کارگاه غیرمجاز و زیرپله‌ای شناسایی شده‌اند. همچنین در یک سال گذشته حدود ۲۰۰ واحد به دلیل مشکلات اقتصادی پروانه خود را باطل یا تعلیق کرده‌اند.

این آمار، تصویری روشن از وضعیت شکننده واحدهای خرد ارائه می‌دهد؛ واحدهایی که اگرچه در اشتغال محلی نقش دارند، اما با کوچک‌ترین شوک اقتصادی، افزایش هزینه یا کاهش فروش، در معرض تعطیلی قرار می‌گیرند.

علی‌قشنگی معتقد است کمک مؤثر دولت و مسئولان استانی باید در چند محور دنبال شود؛ تثبیت تأمین مواد اولیه، کنترل هزینه‌های تولید، ارائه تسهیلات کم‌بهره، مقابله جدی با قاچاق، کمک به فروش و بازاریابی، آموزش و ارتقای کیفیت، کاهش بروکراسی، حمایت از



خوشه‌های صنعتی و معرفی برندهای بومی.

قاچاق؛ زخمی که از مرز شروع می‌شود و به ویت‌ترین بازار می‌رسد

آذربایجان‌غربی به دلیل موقعیت مرزی، همواره در معرض ورود و عرضه پوشاک خارجی قرار دارد. رامین علیزاده، رئیس اتحادیه فروشندگان پوشاک آذربایجان‌غربی، قاچاق پوشاک را یکی از ضربه‌های جدی به تولید داخلی و اشتغال می‌داند و می‌گوید نخستین لطمه کالای قاچاق، آسیب به تولید داخلی و در نهایت بیکاری است. به گفته او، قاچاق علاوه بر ضربه به تولید، باعث خروج ارز از کشور و غفلت از ظرفیت‌های داخلی صنعت پوشاک می‌شود.

او با اشاره به ظرفیت مرزنشینی استان معتقد است آذربایجان‌غربی باید بتواند از این موقعیت به نفع تولید و تجارت قانونی است استفاده کند، اما در عمل فعالان رسمی بازار از مزیت مرزی بهره چندانی نمی‌برند و در مقابل، ورود غیررسمی کالا به بازار، رقابت را برای فروشندگان دارای پروانه کسب دشوار کرده است.

رئیس اتحادیه فروشندگان پوشاک استان، رکود بازار را نیز از مهم‌ترین مشکلات این صنف عنوان می‌کند. به گفته او، تورم باعث شده پوشاک از اولویت‌های اصلی سبد خانوار خارج شود و بسیاری از خانواده‌ها خرید لباس را تنها به مناسبت‌هایی مانند عروسی، تولد یا ضرورت‌های خاص موکول کنند.

علیزاده می‌گوید وقتی درآمد خانوار ابتدا صرف خوراک، قبوض، اجاره و هزینه‌های ضروری می‌شود، پوشاک در ردیف‌های پایین‌تر هزینه‌ای قرار می‌گیرد. نتیجه این وضعیت، کاهش تقاضا، افت کیفیت برخی اجناس، نارضایتی مشتریان و تشدید رکود در بازار است.

او همچنین فروش‌های آنلاین بدون مجوز، فشار مالیاتی، اجاره‌بها، هزینه‌های جاری و نبود حمایت مؤثر از اصناف را از دیگر چالش‌های فروشندگان پوشاک می‌داند و تأکید می‌کند فروش اینترنتی امری طبیعی و رو به گسترش است، اما باید نظارت کافی وجود داشته باشد تا حقوق واحدهای رسمی که مالیات، اجاره و هزینه‌های قانونی پرداخت می‌کنند، ضایع نشود. به گفته رئیس اتحادیه فروشندگان پوشاک آذربایجان‌غربی، مکاتباتی با اتاق اصناف، اداره مالیات و دستگاه‌های مربوط انجام شده، اما پاسخ‌ها در عمل به نتیجه مشخصی نرسیده است. او حتی مدعی است سرانه مالیاتی آذربایجان‌غربی چند برابر برخی استان‌های همجوار اعلام شده؛ ادعایی که نیازمند بررسی دقیق‌تر دستگاه‌های مسئول است، اما نشان می‌دهد مالیات به یکی از دغدغه‌های جدی فعالان بازار پوشاک تبدیل شده است.

کارخانه‌های نساجی؛ گرفتار فروش مدت‌دار و نوسان ارز

در کنار واحدهای صنفی و فروشگاه‌ی، بخش کارخانه‌ای و نساجی نیز با مشکلات خاص خود روبه‌روست.

احمد قصبایی، مدیرعامل شرکت کارخانجات نساجی خوری، در گفت‌وگو در محیط کارخانه، کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده را یکی از مشکلات اصلی صنعت نساجی، به‌ویژه در بخش تولید پارچه سلواری عنوان می‌کند. به گفته او، خریداران عمده پارچه معمولاً خرید نقدی انجام نمی‌دهند و خریدها به صورت مدت‌دار، حتی چهارماهه، انجام می‌شود. در چنین شرایطی اگر نرخ ارز افزایش یابد، تولیدکننده متضرر می‌شود و سرمایه خود را از دست می‌دهد.

قصبایی، مشکلات ثبت سفارش و واردات مواد اولیه

مدهای جهانی فاصله گرفته و بیشتر به سمت لباس‌هایی حرکت کرده است که در کنار کاربردی بودن، با سبک شخصی و ارزش‌های فرهنگی مصرف‌کننده هماهنگ باشد.

به گفته او، امروز جامعه نیاز دارد سبک‌شناسی و فرهنگ ایرانی را با قدرت بیشتری در حوزه پوشاک جایگذاری کند تا لباس ایرانی تنها یک انتخاب مناسبیتی یا سنتی نباشد، بلکه بتواند در زندگی روزمره مردم و به‌ویژه نسل جوان حضور مؤثر داشته باشد.

عبداللهی، شبکه‌های اجتماعی را یکی از عوامل مهم تغییر بازار پوشاک می‌داند و می‌گوید این فضا باعث شده قدرت مطلق برندهای بزرگ کاهش یابد و فرصت بیشتری برای طراحان مستقل و کسب‌وکارهای کوچک ایجاد شود. به گفته او، شبکه‌های اجتماعی فقط ویت‌ترین فروش نیستند، بلکه امکان تعامل مستقیم میان طراح و مشتری را فراهم کرده‌اند و سرعت پاسخگویی به ترندها را به یکی از فاکتورهای اصلی رقابت در بازار تبدیل کرده‌اند.

این نگاه در استانی مانند آذربایجان‌غربی که بخش بزرگی از فعالان پوشاک آن در قالب کارگاه‌های خرد، مزون‌ها، تولید خانگی و کسب‌وکارهای کوچک فعالیت می‌کنند، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا فضای مجازی می‌تواند بخشی از ضعف بازار سنتی و محدودیت دسترسی می‌شود که عناصر فرهنگی و هنری با نیازهای فعالیت‌ها مجوزمند، حرفه‌ای و همراه با آموزش بازاریابی باشد. این کارشناس حوزه مد و لباس درباره ظرفیت طراحی لباس ایرانی نیز تأکید می‌کند که ایران به دلیل غنای هنری و تاریخی، ظرفیت بالایی در طراحی پوشاک دارد؛ اما این ظرفیت زمانی به فرصت اقتصادی تبدیل می‌شود که عناصر فرهنگی و هنری با نیازهای زیستی انسان معاصر، به‌ویژه جوانان، تلفیق شود. عبداللهی معتقد است طراحی ایرانی نباید صرفاً در قالب‌های سنتی باقی بماند، بلکه باید با زبان امروز، نیاز امروز و سلیقه نسل جدید بازتعریف شود. به باور او، چنین رویکردی می‌تواند حتی برای رقابت در بازارهای بین‌المللی نیز ظرفیت ایجاد کند.

او درباره کمتر شناخته شدن برندهای ایرانی نیز می‌گوید این مسئله ناشی از ضعف خلاقیت طراحان نیست، بلکه ریشه در ضعف زنجیره ارزش دارد؛ یعنی فاصله‌ای که میان ایده‌پردازی، طراحی، تولید صنعتی استاندارد، سرمایه‌گذاری، برندینگ و بازاریابی حرفه‌ای وجود دارد.

به گفته عبداللهی، کمبود سرمایه‌گذاری در تولید، برندینگ و مارکتینگ باعث شده بسیاری از طراحان و برندهای ایرانی نتوانند در مقیاس وسیع جایگاه واقعی خود را در بازار تثبیت کنند. این موضوع نشان می‌دهد حمایت از صنعت پوشاک تنها به پرداخت تسهیلات یا آموزش خیاطی محدود نمی‌شود، بلکه باید طراحی، تولید استاندارد، هویت بصری، فروش آنلاین، تبلیغات و برندسازی حرفه‌ای نیز در زنجیره حمایت قرار گیرد. در واقع اگر آذربایجان‌غربی می‌خواهد از ظرفیت پوشاک بومی، لباس‌های محلی، هنر دوخت، توان بانوان و موقعیت مرزی خود استفاده کند، باید میان سه ضلع طراحی، خلاقانه، تولید باکیفیت و بازاریابی حرفه‌ای پیوند برقرار شود؛ در غیر این صورت، ایده‌های خوب در مرحله نمونه‌دوزی و تولید محدود باقی می‌مانند و به برندهای پایدار و قابل رقابت تبدیل نمی‌شوند

مهارت‌آموزی؛ نقطه امید صنعت پوشاک

در حالی که فعالان بازار از رکود، گرانی و کاهش تقاضا گلایه دارند، بخش آموزش تصویری امیدوارکننده‌تر از آینده این صنعت ارائه می‌دهد. حسن شریفی، مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای آذربایجان‌غربی، استقبال از دوره‌های صنایع پوشاک در استان را خوب و رو به گسترش توصیف می‌کند.

به گفته او، بازار کار هنرآموزان خیاطی مثبت ارزیابی می‌شود و فارغ‌التحصیلان این حوزه می‌توانند در زمینه‌هایی مانند راه‌اندازی مزون شخصی، همکاری با تولیدی‌ها و برندها، انجام سفارشات خانگی و تدریس فعالیت کنند. شریفی همچنین تأکید دارد که با وجود تولید صنعتی، تقاضا برای دوخت سفارشی، لباس مجلسی، لباس عروس و فرم‌های اختصاصی همچنان وجود دارد و رشد فروش آنلاین و مزون‌ها فرصت‌های جدیدی ایجاد کرده است.

مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای استان، مهارت‌هایی مانند ماتنودوزی، شلواردوزی، نازک‌دوزی، ضخیم‌دوزی، دوخت کت و پالتو، لباس عروس و

مجلسی را از مهارت‌های پرتقاضا معرفی می‌کند. او همچنین تنوع قومی و پوشش‌های بومی آذربایجان‌غربی را ظرفیتی ارزشمند برای طراحی‌های نوآورانه و بازاریبند می‌داند.

بر اساس اعلام شریفی، در بخش غیردولتی ۳۱۳ آموزشگاه صنایع پوشاک با سهم ۲۹ درصدی فعال است و در بخش دولتی نیز ۲۲ کارگاه و ۱۸ مربی در این حوزه فعالیت دارند. این آمار نشان می‌دهد آموزش در حوزه پوشاک از ظرفیت قابل توجهی برخوردار است، اما پرسش اصلی اینجاست که آیا بازار فعلی توان جذب همه این مهارت‌آموختگان را دارد یا نه؟

تسهیلات؛ حمایت‌هایی که هست، اما کافی نیست

علی دهقان، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان‌غربی، از پرداخت ۵۸۰ میلیارد ریال تسهیلات در حوزه پوشاک برای ۴۸۷ طرح با اشتغال ۸۱۴ نفر در سال ۱۴۰۴ خبر می‌دهد.

این عدد نشان می‌دهد حوزه پوشاک در سیاست‌های حمایتی اشتغال استان جایگاه قابل توجهی دارد، به‌ویژه در بخش مشاغل خانگی و طرح‌های خرد. با این حال، مسئله بیمه همچنان یکی از خلاهای مهم این حوزه است. دهقان توضیح می‌دهد که بیمه در مشاغل خانگی اجباری نیست و به‌صورت اختیاری انجام می‌شود.

او همچنین به نقش پشتیبان‌ها در زنجیره مشاغل خانگی اشاره می‌کند؛ افرادی که مواد اولیه و ملزومات را تهیه کرده و در اختیار خیاطان قرار می‌دهند و سپس محصولات را در مراکز فروش و بازار توزیع می‌کنند. این ساختار اگر به‌درستی ساماندهی شود، می‌تواند حلقه واسط میان تولید خانگی و بازار مصرف باشد، اما در صورت نبود نظارت، شفافیت و بیمه، بخشی از نیروی کار خانگی همچنان در وضعیت ناپایدار باقی می‌ماند.

صنعتی با ظرفیت بالا، اما نیازمند سیاست‌گذاری دقیق

مجموع گفت‌وگوها با مسئولان، فعالان صنعتی، مدیران صنعتی و متولیان آموزش نشان می‌دهد صنعت پوشاک آذربایجان‌غربی در نقطه‌ای دوگانه ایستاده است؛ از یک طرف، ۳۱۰۰ واحد صنعتی، تولید سالانه ۷ میلیون دست لباس، صدها آموزشگاه، حضور گسترده بانوان، ظرفیت مرزی، تنوع فرهنگی و امکان صادرات به کشورهای همسایه، فرصت‌هایی کم‌نظیر برای رشد این صنعت فراهم کرده است.

از طرف دیگر، قاچاق، رکود بازار، کاهش قدرت خرید مردم، گرانی مواد اولیه، نوسان ارز، فروش مدت‌دار، نبود نقدینگی، فشار مالیاتی، هزینه‌های بیمه و اجاره، ضعف در بازاریابی، نبود آمار دقیق واردات و صادرات و ناپایداری بیمه مشاغل خانگی، این ظرفیت را تهدید می‌کند.

در چنین شرایطی، حمایت از صنعت پوشاک تنها با برگزاری مراسم و تریک روز خیاط محقق نمی‌شود. این صنعت به برنامه‌ای عملی نیاز دارد؛ برنامه‌ای که از تأمین مواد اولیه تا آموزش، از بیمه تا بازار فروش، از مقابله با قاچاق تا تسهیل صادرات و از حمایت از بانوان تا تقویت برندهای بومی را در بر بگیرد.

از سوی دیگر، تغییر سلیقه مردم، رشد شبکه‌های اجتماعی و ظرفیت طراحی لباس ایرانی نشان می‌دهد آینده پوشاک استان فقط به حل مشکلات تولید وابسته نیست، بلکه به برندسازی، بازاریابی حرفه‌ای، تلفیق هویت ایرانی با نیاز نسل جدید و اتصال طراحان مستقل به بازار نیز بستگی دارد.

سخن آخر

روز خیاط و هفته پوشاک در آذربایجان‌غربی، فقط روز یا هفته قدردانی از دستانی نیست که پارچه را به لباس تبدیل می‌کنند؛ روز یادآوری صنعتی است که می‌تواند برای جوانان، بانوان، کارگاه‌های کوچک، واحدهای تولیدی و بازار استان اشتغال و ارزش افزوده ایجاد کند. اما این صنعت امروز بیش از شعار، به تصمیم‌های دقیق، آمار شفاف، حمایت مالی هدفمند، مبارزه واقعی با قاچاق، بازار فروش پایدار و بیمه مطمئن نیاز دارد.

اگر قرار است سوزن خیاطان آذربایجان‌غربی همچنان بچرخد، باید نخ حمایت از تولید، مهارت، بازار و عدالت اقتصادی به هم گره بخورد؛ وگرنه

مفقودی	روزنامه طرح نو
آکهی مفقودی مدرک تحصیلی (نوبت اول) گواهینامه موقت فارغ التحصیلی اینجاب حسین خداوردی فرزند جهانگیر به شماره شناسنامه ۱۰۵۱ و شماره ملی ۳۷۸۱۵۱۷۷۸۰ صادره از بيجار در مقطع کارشناسی رشته مدیریت صنعتی صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از بابتده تقاضا می شود گواهینامه موقت را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی: تهران – بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق) –خروجی حکیمیه – خیابان شهید صدوقی – بلوار وفادار – دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید.	
تاریخ انتشار: نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ / نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴	

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی

آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت-جنب مسجد کبود

مجتمع تجاری ابریشم- طبقه اول- واحد شماره ۹- تلفکس: ۳۵۲۴۱۹۵۲

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۳۲۲۴۴۸۵۸۸-۴۴

لیتوگرافی و چاپ: پرنیان

رتبه ۲ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

یکشنبه ۲۱ تیر ماه ۱۴۰۵ - سال بیستم - شماره ۳۵۸۳

امام سجاد:
فرزندم! بپرهیز از ستم بر کسی که یآوری
جز خدا ندارد

شهردار تبریز خبر داد:

پرداخت ۲۹ میلیارد تومان برای جبران خسارات و اسکان آسیب دیدگان جنگ رمضان

خسارت کمتر از ۳۰ میلیون تومان، ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان پرداخت شده است.

شهردار تبریز ادامه داد: علاوه بر این، هزینه‌های مربوط به ۲۷ واحد مسکونی که در جریان جنگ رمضان به طور کامل تخریب شده بودند نیز به صورت کامل پرداخت شده و مجموع پرداخت‌های شهرداری در این حوزه به حدود ۲۹ میلیارد تومان رسیده است. شهردار تبریز در بخش دیگری از سخنان خود به اقدامات مدیریت شهری در رسیدگی به حادثه خیابان ملازینال اشاره کرد و گفت: برای ۴۱ خانوار آسیب‌دیده این حادثه، ودیعه اسکان تأمین و پرداخت شده است.

وی تأکید کرد: شهرداری تبریز از نخستین ساعات وقوع حادثه، تأمین اسکان موقت و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده را در اولویت قرار داد و پرداخت ودیعه اسکان این خانوارها در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شد.



در بخش جبران خسارات، ۸ میلیارد تومان پرداخت مستقیم انجام شده و برای پرونده‌های دارای خسارت بیش از ۳۰ میلیون تومان نیز به گفته هوشیار، برای پرونده‌های با

طرح نو؛ گروه شهری شهردار تبریز از پرداخت بخش عمده تعهدات مدیریت شهری در قبال آسیب‌دیدگان جنگ رمضان خبر داد و گفت: تاکنون حدود ۲۹ میلیارد تومان برای جبران خسارات، پرداخت ودیعه اسکان و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده اختصاص یافته است. یعقوب هوشیار در جریان برگزاری سبصد و سی و سومین جلسه پارلمان شهری با تشریح اقدامات شهرداری در رسیدگی به خسارات آسیب دیدگان اسکان خانواده‌های آسیب‌دیده به جز یک پرونده که به دلیل اختلاف میان وراث امکان پرداخت آن فراهم نشده است، تسویه شده و شهرداری به تمامی تعهدات خود در این بخش عمل کرده است.

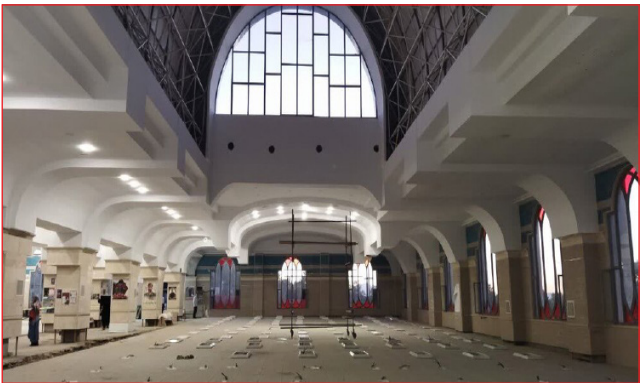
وی افزود: تاکنون ۸۰۶ پرونده خسارت مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفته است.

خبر

شهردار منطقه ۲ تبریز خبر داد:

اجرای عملیات همسطح سازی مزار گلزار

شهدای وادی رحمت



طرح نو؛ گروه شهری شهردار منطقه ۲ از اجرای فاز سوم پروژه فرامنطقه‌ای همسطح سازی گلزار شهدای وادی رحمت با انجام همسطح سازی مزار مطهر شهدا خبر داد. عباس هاشمی با اعلام این خبر گفت: با اتمام فاز دوم پروژه فرامنطقه ای همسطح سازی گلزار شهدای وادی رحمت، فاز سوم این پروژه توسط معاونت فنی و عمرانی منطقه ۲ در مرحله همسطح سازی مزار مطهر شهدا به اجرا درآمده و ادامه دارد.

شهردار منطقه ۲ افزود: فاز دوم این پروژه با صرف ۲۵۰ میلیارد تومان اعتبار خاتمه یافته و فاز سوم آن با پیش بینی ۱۰۰ میلیارد تومان اعتبار اولیه توسط شهرداری منطقه ۲ در حال انجام است. هاشمی در ادامه خاطرنشان

طرح نو؛ گروه شهری

شهردار منطقه ۲ تبریز از اتمام نمakاری دیوار پیرامون پروژه فرامنطقه ای پارک شهربانو توسط این منطقه خبر داد. عباس هاشمی با اعلام این خبر گفت: پروژه عظیم فرامنطقه ای پارک شهربانو توسط معاونت فنی و عمرانی شهرداری منطقه ۲ در

مرحله نمakاری دیوار بیرونی به اتمام رسیده و نمakاری دیوار داخلی پارک به اجرا درآمده است. شهردار منطقه ۲، مساحت کل این پارک عظیم را در حدود ۱۷ هکتار و اجرای پروژه در حوزه شهرداری منطقه ۷ و فقط در قسمت های تملک شده باغات لاله بیان کرد و افزود: اعتبار اولیه احداث این مرکز فرهنگی،

آموزشی، ورزشی و تفریحی مخصوص بانوان ۲۰۰ میلیارد ریال پیش بینی شده است. به گفته شهردار منطقه ۲، با احداث پارک شهربانو که دارای امکانات متعدد رفاهی و تفریحی خواهد بود، علاوه بر افزایش سرانه فضای سبز شهر، بانوان می توانند به راحتی و آسودگی خاطر از امکانات آن بهره مند شوند.



یادداشت

عکاسی چه نقشی در شکل دهی به تصور ما از شهرها دارد؟

طرح نو؛ گروه گزارش - آذر کریم زاده در میان شیوه های بازنمایی کلان شهرها، عکاسی جایگاه منحصر به فردی دارد چرا که نمی‌توان تاریخ کلان‌شهرها را بدون درک تاریخ بصری آنها و به ویژه بازنمایی آنها در روایت‌های عکاسی درک کرد.

به مناسبت جشنواره‌ای که در ژانویه ۲۰۲۶ توسط مجموعه «صداهای شهر» فرانسه برگزار شد، بررسی چگونگی تأثیر تصاویر بر برداشت‌ها و روایت‌های شهروندان از شهرها مطرح شد. این رویداد که با محوریت موضوع «روایت‌ها و خیال‌پردازی‌های نوین» برگزار شد، از شرکت‌کنندگان درخواست کرد تا درباره بازنمایی‌های رایج و مسلط از فضای شهری تأمل و پرسشگری کنند. برای تحلیل تأثیر عکاسی بر درک ما از شهرها، این یادداشت به‌ویژه از دیدگاه پژوهشگران حوزه تولید و توسعه شهری بهره می‌گیرد؛ پژوهشگرانی که از تصویر به‌عنوان ابزاری برای روایت‌سازی از سرزمین‌ها و فضاهای شهری در چارچوب پروژه‌های توسعه شهری استفاده می‌کنند.

مکانی برای دیدار و بازآفرینی شیوه‌های اندیشیدن، روایت کردن و زیستن در شهر

در مارس ۲۰۲۵، گروهی از تولیدکنندگان مستقل محتوا که در حوزه توسعه و شکل‌دهی شهری فعالیت می‌کردند، مجموعه «صداهای شهر» را بنیان‌گذاری نمودند. این گروه‌هایی امکان می‌دهد تا آینده سرزمین‌ها و شهرهای ما به‌صورت جمعی تصور شود و راه‌های تازه‌ای برای طراحی شهر آینده پیشنهاد گردد؛ شهری که زیست‌محیطی، عادلانه، فراگیر و مهمان‌نواز باشد. نخستین دوره جشنواره‌ای که توسط این مجموعه راه‌اندازی شد، این فرصت را فراهم کرد تا متخصصان شهرسازی و شهروندان دغدغه‌مند تحول پایدار شهری در این اندیشه‌ها و گفت‌وگوها مشارکت کنند. برنامه‌های این جشنواره که ترکیبی از تجربه‌های حرفه‌ای و تجربه‌های زیسته افراد بود، به شکل‌گیری روایت‌های تازه‌ای درباره آینده توسعه شهری کمک کرد؛ روایت‌هایی که گاه نادیده گرفته شده یا از عرصه گفت‌وگو کنار گذاشته شده بودند. امروزه موضوعاتی مانند ادغام طبیعت و موجودات زنده در فضای شهری، تاب‌آوری شهری و مبارزه با نابرابری‌های فضایی از مهم‌ترین چالش‌ها و دغدغه‌ها به شمار می‌روند و همین امر ضرورت این گفت‌وگوها را بیش از پیش آشکار



چارچوب بحران و مشکلات فراتر برده و به سوی فرصت‌ها، نوآوری‌ها و آینده‌ای پایدارتر هدایت کند.

عکاسی؛ حامل بازنمایی‌های نوین شهری برای آینده‌ای پایدار

آیا عکاسی می‌تواند به ترسیم چشم‌اندازهای تازه‌ای از سرزمین‌ها و شهرهای ما کمک کند؟ بر اساس دیدگاه آنان، عکاسی می‌تواند در مواجهه با چالش‌های معاصر شهرها، به ابزاری برای تحول و تصویرسازی جمعی از آینده تبدیل شود. نخست اینکه عکاسی این امکان را فراهم می‌کند که آسیب‌پذیری‌ها و مشکلات موجود ثبت و مستندسازی شوند و در عین حال، راه‌ها و چشم‌اندازهایی برای غلبه بر آن‌ها نیز مورد بررسی قرار گیرند. برای نمونه، نمایشگاه «زندگی بهتر در محله‌ها» که به سفارش آژانس ملی نوسازی شهری فرانسه برگزار شد و در ژوئن گذشته در مرکز فرهنگی به نمایش درآمد، آثار ۱۲ عکاس را درباره محله‌هایی که در حال نوسازی و بازآفرینی شهری بودند، به نمایش گذاشت. هدف این پروژه، برجسته‌سازی پویایی‌های مرتبط با تحول زیست‌محیطی و اجتماعی در این مناطق بود؛ فضاهایی که گاه به اشتباه تصور می‌شود از روند این تحولات کنار مانده‌اند. این تصاویر نشان می‌دهند که چگونه چنین فضای مشترکی می‌تواند گسست‌ها و جدایی‌های شهری را کاهش دهد و محیطی دلپذیرتر و باکیفیت‌تر برای زندگی ساکنان فراهم آورد.

علاوه بر این، عکاسی موجب می‌شود شیوه‌های استفاده از فضاهای شهری، برداشت‌ها و آرزوهای ساکنان به شکلی ملموس و قابل مشاهده نمایان شوند. فعالیت عکاسان خیابانی به شناساندن و ارزش‌گذاری شیوه‌های زندگی و رفتارهای شهری کمک می‌کند؛ شیوه‌هایی که اغلب کمتر مورد توجه قرار گرفته یا به‌درستی بازنمایی نشده‌اند. آثار این عکاسان، به ثبت و مستندسازی تحولاتی شهری کمک کرده‌اند که اغلب پنهان و نادیده می‌مانند؛ تحولاتی که از دل زندگی و کنش‌های روزمره ساکنان شکل گرفته و در نهایت در سرنوشت و آینده شهرها تأثیرگذار بوده‌اند. این آثار نشان می‌دهند که شهر تنها حاصل برنامه‌ریزی نهاده‌ها و مدیران نیست، بلکه محصول مشارکت، خلاقیت و تجربه‌های زیسته مردمی است که هر روز در آن زندگی می‌کنند و آن را شکل می‌دهند.

در نهایت، عکاسی می‌تواند به شکل‌گیری تصاویر و برداشت‌های تازه‌ای از شهرها کمک کند؛ تصاویری که بر سادگی، پایداری و تاب‌آوری بیشتر تأکید دارند. برای نمونه، پژوهش‌های انجام یافته در این رابطه، تصاویر اقداماتی همچون: سبزسازی و افزایش پوشش گیاهی در فضاهای عمومی، ایجاد باغچه‌ها و باغ‌های مشارکتی شهری، و استفاده از مصالح ساختمانی تأمین‌شده از زنجیره‌های کوتاه و محلی را به تصویر می‌کشند. چنین ابتکارات مردمی نشان می‌دهند که ساخت شهرهایی پایدارتر، سازگارتر با محیط زیست و انسان‌محورتر امکان‌پذیر است.

بنابراین، عکاسی تنها ابزاری برای ثبت واقعیت نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای نمایان ساختن، تقویت و تشویق ابتکارها، مطالبات و شیوه‌های زندگی است که به تحول عادلانه و پایدار شهرها کمک می‌کنند. از این رو، تصاویر می‌توانند به ما امکان دهند آینده‌ای پایدار و امیدبخش را برای این سرزمین‌ها و فضاهای شهری تصور کنیم.

تصویر در خدمت روایت‌سازی از سرزمین‌ها در پروژه‌های شهری

بنابراین، تصویر این امکان را فراهم می‌کند که سرزمین‌ها و فضاهای شهری خود را به شیوه‌ای متفاوت بازنمایی کنند.

عکاسی همچنین می‌تواند به‌عنوان ابزاری در پروژه‌های شهری مورد استفاده قرار گیرد تا داستان و هویت مکان‌هایی را که این پروژه‌ها در آن شکل می‌گیرند، روایت کند. بازنمایی تجربه‌های زیسته مردم از طریق تصویر، نه‌تنها ابزاری برای روایت و انتقال تجربه است، بلکه در تحلیل فنی و کیفی فضاهای شهری نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.

عکاسی به ما کمک می‌کند تا یک شهر را نه صرفاً به‌عنوان یک فضای فیزیکی، بلکه به‌عنوان مکانی که توسط ساکنانش زندگی، تجربه و تصاحب شده است، درک کنیم. بدین ترتیب، بایستی به پژوهشگران حوزه‌های شهرسازی و علوم اجتماعی فرصت داده شود تا دیدگاه‌ها و رویکردهای نوینی را درباره آینده توسعه و ساخت شهرها مطرح کنند و چشم‌اندازهای تازه‌ای برای آینده فضاهای شهری ارائه دهند.

از نگاهی دیگر، عکاسی هم تغییرات و دگرگونی‌ها و هم تداوم‌ها و پایداری‌ها را ثبت و تأیید می‌کند؛ موضوعی که هم در تصاویر هوایی و هم در مجموعه تصاویرهایی که بُعد زمانی و روند تحول فضاهای شهری را قابل درک می‌سازند، به‌خوبی دیده می‌شود. زیرا عکاسی تنها نشان نمی‌دهد، بلکه پنهان نیز می‌کند: فضاهایی که خارج از قاب قرار گرفته‌اند، شیوه‌های استفاده از فضا و انواع سکونت یا فعالیت‌هایی که در تصویر بازنمایی نشده‌اند. بررسی برنامه‌ریزی و توسعه شهری از طریق بازنمایی‌های عکاسانه مستلزم آن است که هم آنچه دیده می‌شود و هم آنچه نمایش داده نشده است، قابل فهم و تفسیر شود. روایت بصری زمین‌ها و خاک، پرده از جنبه پنهان و زیست‌محیطی کلان‌شهر برمی‌دارد؛ از جمله فرایند مصنوعی‌سازی و تغییر کاربری گسترده زمین که در جریان کلان‌شهری شدن رخ داده است و نیز ضرورت بازگرداندن کارکردهای اکوسیستمی خاک.

از این‌رو، عکاسی تنها نقش مستندسازی خود را ایفا نمی‌کند، بلکه اطلاعاتی درباره نگاه‌ها، ادراک‌ها و شیوه‌های فهم فضا نیز ارائه می‌دهد؛ امری که امکان درک هم «چشم‌انداز برنامه‌ریزی‌شده و آگاهانه» و هم «چشم‌انداز بومی و زیسته» را فراهم می‌سازد؛ چشم‌اندازی که مردم در آن زندگی می‌کنند، آن را تجربه می‌کنند و به کار می‌گیرند.